

رئیس جمهور در برابر اقدام مستقل مجلس

در آخرین روز هفته گذشته آقای ولایتی نامزد پیشنهادی رئیس جمهور برای نخست وزیری تنها توانست از میان ۲۰۷ نماینده‌ای که در اجلاس علنی مجلس حضور داشتند ۷۴ رای موافق بدست آورد مجلس با ۸۰ رای مخالف و ۳۸ رای ممتنع نخست وزیری آقای ولایتی را نپذیرفت و به او رای نداد و این در حالی بود که ۲ نفر از نمایندگان که می‌توانستند رای دهند از شرکت در رای‌گیری خودداری کردند و ۱۳ نماینده جدید مجلس به دلیل کامل نبودن پرونده انتخاباتی شان نمی‌توانستند در رای‌گیری شرکت کنند.

رای‌ندادن مجلس به ولایتی برای بسیاری یک اقدام غیرمنتظره بود، اقدامی که رئیس‌جمهور آن را "شجاعانه" خواند و رئیس مجلس که موافق نخست‌وزیری ولایتی بود هم کلام با رئیس‌جمهور آن را نشان پرارزش "استقلال مجلس" توصیف کرد.

رئیس جمهور، رئیس مجلس و دیگر مقامات بانفوذ جمهوری در توضیح علت شکست ولایتی در جلب آرای موافق اکثریت مجلس روی یک نکته به اتفاق و با تاکید اظهار نظر کردند و به درستی گفتند: "آرای مجلس بیشتر بر اثر عدم شناخت از ایشان به این شکل نتیجه داد"

به نظر ما هم این نکته یکی از دلایلی است که در شکل‌دادن آرای مجلس در مخالفت با ولایتی تاثیر داشته ...

بقیه در صفحه ۲

★ رفیق تیمورجانی شهنی



در جبهه الله اکبر

به شهادت رسید.

★ رفیق محمد علی قربانی

بیز درگیری با ضد انقلابیون

در مهاباد به شهادت رسید

در صفحه ۱۵

اکثریت
ویژه جوانان
۸ صفحه

«تروریسم اقتصادی»

بادست‌یابی به اقتصادی مستقل

با یک سیاست روشن اقتصادی که می‌باید در فعالیت بخش خصوصی را محدود کرده و

در کنترل و نظارت دولت درآورد و در زمینه خارجی پیوندهای اقتصادی ما را با اقتصاد جهانی امپریالیستی قطع نماید، می‌توان به رشد مستقل اقتصادی دست یافت و اقتصاد کشور را در راستای تامین منافع محرومان سازمان داد.

در صفحه ۱۰

بنا بر آیین آزادی‌های سیاسی

آرامش را به جامعه بازگردانید

• توطئه ضدانقلاب برای از میان بردن زمینه فعالیت آزاد نیروهای هوادار انقلاب را با رعایت آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی و اجرای بدون خدشه اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی خنثی کنید.

در صفحه ۳

علیه جنگ افروزیهای ریگان

مردم جهان یکپارچه به پامی خیزند

• جنبش صلح به شدت در حال اوج‌گیری است هم‌اکنون اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و جنبش‌های بخش و تمامی نیروهای صلح‌دوست با اعتقاد راسخ به صلح در راه مبارزه با خطر جنگ هسته‌ای که آمریکا تهدید به آن کرده است به مبارزه برخاسته‌اند.

در صفحه ۹

آقای رئیس دیوان عالی کشور!

آیا تاکنون پرونده اعدام رفقای ما را که اعتقاد و

عمل آنان دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی

بوده است بررسی کرده‌اید؟

در صفحه ۴

متحد شویم!

لجائزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم گوئیم

بقیه از صفحه ۱

رئیس جمهور در برابر اقدام مستقل ...

... است . ما در هفت گزشته پیش از آنکه آرای مجلس نسبت به آقای ولایتی مشخص شده باشد تذکر داده بودیم که " مصالح انقلاب و دورنگریها و واقع بینی هایی که پیچیدگی و بخرنجی انقلاب ما آنها را بطور قطع ضروری ساخته است ، به همراه مجموعه تجاربی که در سه ساله اخیر آموخته ایم ، ایجاب می کند که ریاست دولت و مهمترین پست های گابینه بر عهده کسانی گذاشته شود که به اعتبار کارنامه ای که توده های مردم از آن مطلع اند ، شخصیت های 'متحان پس داده ای باشند تا بتوانند در تعمیق و انقلاب و هدایت جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی اش با اطمینان کافی نقش پیش برنده ای برعهده گیرند ."

در شرایط حاد کنونی پیوند تاریخی و شناخته شده نامزد نخست وزیری با نیروهای خط امام مهمترین خصوصیتی است که در انتخاب نخست وزیر باید مورد تاکید قرار گیرد . این پیوند به معنی پای بندی خلل ناپذیر به جنبه ضد استبدادی ، ضد امپریالیستی و مردمی خط امام و مبارزه در راه تحقق آماج های انقلاب شکوهمندان است . ماروزهای تلخ و شیرین بسیار در پیش خواهیم داشت . حرکت چرخ انقلاب لزوماً همانگونه نیست که ما می خواهیم و یا فکر می کنیم . البته تاریخ را توده ها می سازند ، لاکن شخصیت ها نیز ، به ویژه در لحظات حساس در حد خود موثرند امروز توده ها در صحنه اند ، مردم ، پس از این همه دردها و رنج ها که کشیده اند ، با اینکه در این سه ساله انقلاب مهمترین چیزهایی را که می خواسته اند هنوز بدست نیاورده اند ، بسا شانزده میلیون رای یکپارچه شان به خامنه ای به جهانیان نشان داده اند که بسیار سرسخت تر از آنند که دشمن فکر می کند . امروز در این لحظه مواضع انقلاب در برابر امریکای جنایتکار و پسرمانده های متعفن آن البته که محکم است لاکن ، شرط تدبیر آن است کسانی در راس امور قرار گیرند که در گذشته و نه در این سه ساله انقلاب برای انقلاب و پیروزی آن فداکاری های بسیار داشته اند . تنها با این خصوصیت است که این مردم فداکار و ایثارگر ، ایثارگران بر پشتبانی خود از جمهوری اسلامی ایران خواهند افزود . اگر واقعا اکثریت مجلس شورای اسلامی با چنین درایتی به نامزدی آقای ولایتی نگرسته باشد ، آنگاه مطمئن خواهیم بود که مجلس واقعا شایسته اعتماد مردم است اعتمادی که در پاسخ امام ، به رئیس مجلس که پاسخ به خواست محرومان جامعه است ، انعکاس یافته است .

با این همه ، پراکندگی آرای نمایندگان مجلس را که به شکست ولایتی انجامید نباید در آنچه که گفتیم خلاصه کرد . توجه به اقدام مجلس از ابعاد دیگری نیز کاملاً ضروری است . در جمهوری اسلامی ایران شکوفه های مبارزه نوین حادی علیه بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری در حال شکفتن است . پاسخ تاریخی امام به مجلس چشم اندازهای تازه ای را فرا راه این مبارزه گشوده است . تکان های آتی و مبارزه حادی که در آینده ای نه چندان دور با آن مواجهیم از هم اکنون اکثریت مجلس را در

برابر مهمترین تصمیم گیری های تاریخی قرار داده است . ما از انگیزه های یکایک نمایندگان مجلس در تردید نسبت به نامزدی آقای ولایتی اطلاعی نداریم . اما با توجه به شناختی که از اکثریت مجلس در دست است ، سوابق بسیار محدود ایشان مانع از آن گردیده است که مجلس اطمینانی را که لازمه این لحظات حساس است و مسئولیت سنگین ریاست دولت آن را ده چندان می سازد نسبت به آقای ولایتی ابراز نکند .

انقلاب در هر مرحله از رشد خود یا صف بندی های تازه ای روبرو است . هر مرحله از رشد انقلاب مضمون خاص خود را دارد . و جهت گیری طبقات ، گروه های اجتماعی مردم ، احزاب و سازمان ها و شخصیت ها نسبت به آن مضمون خاص است که شالوده مناقشات ، درگیری ها و در یک کلام صف آراییی نیروها را تشکیل می دهد .

انقلاب برای درک این معنا آموزش های گرانمایی در اختیار ما گذارده است . در آغاز شکل گیری انقلاب ایران ، در آن هنگام که جنبش نیرومند توده های فراتر از استبداد محمدرضاشاهی کل رژیم سلطنتی و همه هستی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را هدف گرفت مبارزه خط امام و خط سازش حول " سلطنت " توضیح دهنده همه درگیری ها و مناقشات بود . خط سازش زیر شعار " شاه باید سلطنت کند نه حکومت " می کوشید تا مردم را متقاعد کند که نظام سلطنتی را بپذیرند و خط امام زیر شعار " شاه باید برود و جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد " خلق را در راه نابودی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی رهبری می کرد . همه نیروهای سازش با شعار اول و همه نیروهای انقلاب با شعار دوم موجودیت می یافتند . پس از سرنگونی رژیم امریکایی شاه ، نابودی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و برپایی جمهوری اسلامی ، سمت گیری ضد امپریالیستی انقلاب که به دلیل سلطه همه جانبه امریکای جنایتکار در حیات سیاسی ، اقتصادی نظامی و فرهنگی جامعه ما خصلت نمایان ضد امریکایی داشت ، چهره تازه انقلاب شد . همه نیروهای انقلاب ، امریکا را " شیطان بزرگ " و دشمن اصلی خلقهای ما می دانستند و هرچه فریاد داشتند بر سر امریکای کشیدند . مردم تحت رهبری امام خمینی با فریاد " بعد از شاه نوبت امریکاست آغاز مرحله نوینی از گسترش انقلاب را نوید می دادند با شکوفایی این مبارزه خصلت ضد امپریالیستی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شکوفا شد و به ثمر نشست .

نیروهای سازش می خواستند امریکا فراموش و از زیر ضرب خارج گردد . آنها سیاست سازش گام به گام انقلاب با امپریالیسم را دنبال می کردند لیبرالها که نتوانسته بودند انقلاب را با سلطنت آشتی دهند و به سازش بکشاند ، اکنون همه تلاش خود را برای به سازش کشاندن جمهوری اسلامی با امپریالیسم بکار گرفتند .

خط امام ، نیروهای سازش را از بسیاری از مواضع به زیر کشید جنبه های ضد امپریالیستی انقلاب را تحکیم نمود و چشم انداز انجام تحولات بنیادین به سود محرومان را آشکار ساخت .

امام اعلام کرده است که " باید کاری کنیم که مردم خودشان حکومت را به دست بگیرند تا مردم به اصطلاح طبقه سه روی کار بیایند " و با پاسخ تاریخی خود به رئیس مجلس این اختیار را به مجلس دادند که به مثابه بالاترین نهاد مردمی و منتخب جمهوری اسلامی در این راه

بکوشد . اکنون نیروهای صدیق خط امام در پاسخ به خواست توده های دهها میلیون میلیونی زحمتکش شهر و روستا بیش از هر زمانی این امکان را یافته اند که به سرمنشأ نیرو و توانمندی " خط سازش " یعنی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی یورش آورند و ریشه های آن را بخشکانند . این شالوده و بستر همه درگیری ها و صف بندی هایی است که در امروز و در چشم انداز نزدیک ، انقلاب با آن روبروست و مجلس شورای اسلامی نمی تواند از آن برکنار بماند و از آن تاثیر نپذیرد .

پراکندگی در آراء نمایندگان مجلس بدون تردید از این شالوده متاثر است و نمی تواند متاثر نباشد . زیرا کم نیستند نمایندگان که در تعیین موضع خود در این مبارزه هنوز تصمیم نهایی را نگرفته اند و هنوز در تلاش روشن ساختن دیدگاه خود و منسجم کردن اندیشه ها شان در این باره هستند .

هم اکنون شواهد روشنی در دست است که حاکی از صف بندی تازه بر این زمینه است . نه تنها وعاظ السلاطین و حامیان روحانی و غیر روحانی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران دست درکارند ، بلکه برخی از روحانیونی که خود را در خط امام می دانند ، نیز به جهات برداشتها و تفسیرهای " مستکبر پسند " که از " احکام اولیه و ثانویه " دارند ، آنچنان که تاکنون شاهد بوده ایم مانع از اقدامات بنیادین به سود محرومان و زانغنه نشینان اند . از سوی دیگر نیروهای صدیق و راستین خط امام تاخیر زیانبار جمهوری اسلامی را در انجام اقدامات بنیادین اجتماعی و اقتصادی به سود محرومان و در مسیر تکامل جامعه بیش از این جاگز نمی شناسند و به درستی ، کسی را شایسته نخست وزیری نمی دانند که علاوه بر ویژگی هایی که شمرديم ، قادر به درک ضرورت های اجتناب ناپذیر این مرحله از رشد انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی باشد . می توان تصور کرد که نامزد پیشنهادی رئیس جمهور نتوانسته باشد خواست واقع بینانه این دسته از نمایندگان مجلس را برآورده سازد زیرا شرایط مساعدی که پس از پاسخ تاریخی امام فراهم آمده است به رئیس جمهوری این امکان را می داد که با انطباق بیشتری بسا ضرورت های این مرحله از رشد انقلاب و خواست محرومان جامعه رئیس دولت جمهوری اسلامی را انتخاب کند .

با رای ندادن مجلس به ولایتی آقای رئیس جمهور این فرصت را یافته است که ارزیابی تازه ای از مجلس و گرایش های درون آن بدست آورد .

موضعی که آقای رئیس جمهور در قبال این گرایشها اتخاذ می کند برای انقلاب و جمهوری اسلامی اهمیت فراوان دارد . شناخت ما از سومین رئیس جمهور کشور این اجازه را می دهد که به موضع رئیس جمهور در تقویت نیروهای واقع بین و روشن بین مجلس امیدوار باشیم زیرا رئیس جمهور بدرستی درک می کند که اکثریت مجلس با سمت گیری به سود محرومان و در راستای درهم شکستن بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری با تلاش پیگیر در راستای تصویب قوانینی که برای تکامل جامعه و تعمیق انقلاب و شکوفایی جمهوری ضرورت دارد ، خود را شایسته اعتمادی می سازند که امام خمینی نسبت به آنها اظهار داشته است . بدون تردید انتخاب دوم رئیس جمهور و مجلس به درک پیچیدگی هایی که با آن روبرو هستیم یاری خواهد رسانید .

بنا بر تأمین آزادی‌های سیاسی

اعتماد مردم به جمهوری اسلامی را تقویت کنید

توطئه ضدانقلاب برای از میان بردن زمینه فعالیت آزاد نیروهای هوادار انقلاب را با رعایت آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی و اجرای بدون خدشه اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی خنثی کنید.

اهداف انقلاب استادگی کند و شرایط را برای بازگشت آرامش اجتماعی فراهم سازد، و از این راه یکی دیگر از توطئه‌های ضدانقلاب را با شکست مواجه کند. باید توجه داشت که در شرایط فرسایشی کنونی و برای گذار از راه پر حادثه‌های که انقلاب، به دلیل توطئه‌های بی در پی ضدانقلاب جهانی به سرکردگی آمریکا، باید از آن عبور کند، یگانه راه برای اتحاد میان همه نیروهای راستین هوادار استقلال ملی و آزادی و احترام به حقوق دگراندیشان و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی برای آنان از طریق اجرای قانون اساسی و اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب است.

هرگونه انحصارطلبی و یا تلاش برای تحمیل دیدگاه‌های بخشی از نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی به بخشی دیگر از این نیروها و سلب فعالیت آزاد آنان موجب تفرقه در صفوف خلق می‌گردد و در نتیجه جز خدمت به دشمنان انقلاب چه آگاهانه چه ناآگاهانه، حاصل دیگری در بر ندارد. در این شرایط حساس که تنگ‌نظران می‌کوشند در جو مساعدی که فعالیت ضدانقلابیون و چپ‌ورها بوجود آورده‌اند، هرنوع فعالیت سیاسی را خاتمه‌یافته اعلام کرده و می‌کوشند این نظر را "رسمی" و "قانونی" کنند، بر انقلاب است که آزادی فعالیت گروه‌ها و احزاب هوادار انقلاب را فراهم سازد و از این طریق به امر تشییت و تحکیم انقلاب یاری رساند این امر، نه تنها یکی از خطرناک‌ترین توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی می‌کند، بلکه با فراهم کردن زمینه فعالیت سیاسی به جداسدن نیروهای سالم فریب‌خورده کمک می‌کند و در نتیجه به خنثی‌کردن توطئه براندازی یاری می‌رساند. بازگرداندن قانونیت به جامعه بر اساس قانون اساسی، که صراحتاً اعلام می‌کند:

"احزاب، جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده بقیه در صفحه ۴

اجتماعی و فرهنگی خویش" (از اصل سوم) را مورد تأکید قرار می‌دهد و "تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (از همان اصل) می‌شود، با این وصف عوامل رنگارنگی به مقابله با اجرای این قانون پرداخته و عملاً مانع فعالیت آزاد دیگر نیروهای هوادار انقلاب در چارچوب قانون اساسی شده‌اند. و برغم آنکه قانون اساسی ایران صریحاً "محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی" (اصل سوم) را می‌طلبد، انحصارطلبان بر زمینه آماده شده توسط گروه‌های چپ‌رو و ضدانقلاب و باوجود تمایلات و کوشش‌های جناح‌های واقع بین و روشن بین حاکمیت دست به اعمالی می‌زنند که نتیجه‌ای جز خدشه وارد آوردن به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بر ندارد، که این وضع خود از سوی دیگر نشان‌دهنده ناکافی بودن اقدامات مقامات و مراجع قانونی و لزوم توجه جدی آنها به این امر است.

در چنین شرایطی پای‌بندی به مصالح انقلاب به ویژه به آن دسته از مسئولین متعهد جمهوری اسلامی ایران که به نظر می‌رسد هنوز به نظرات ناشی از پیمال شدن آزادی‌های قانونی توجه کافی ندارند، حکم می‌کند که با تکیه به مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب که بازتاب این قانون است، و بر مبنای نظریات امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که همواره بر فعالیت آزاد و قانونی صحه گذارده‌اند، در مقابل گرایش‌های نامناسب با

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، از عهده ارزیابی صحیح اینگونه اعمال نفرت‌انگیز برنیامدند و در واقع سکوت آنان به جری‌تر شدن ضدانقلابیون انجامید. به این ترتیب بود که قانون شکنی، تجاوز و خشونت و محدودکردن و در مواردی از بین بردن آزادی‌های مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گسترش یافت. این توطئه ضدانقلابی پس از پیروزی بزرگ انقلاب در جهت افشاء و طرد ابوالحسن بنی‌صدر و باندوی و بطور کلی خط وی همچنان ادامه دارد و ضدانقلابیون اینجا و آنجا، در لایح دوست انقلاب و یا صریحاً دشمن انقلاب، در موقعیت اداره‌کننده امور و سرهم زننده نظم و زیر پوشش‌های مختلف از قوانین اسلامی گرفته تا انقلابی‌مایی گروه‌های چپ‌رو و نقش وسیعی را برای از میان بردن زمینه فعالیت‌های آزاد سیاسی و خفه‌کردن هر صدای موافق و یار انقلاب به مرحله اجرا گذارده‌اند. طوری که در حال حاضر عملاً فعالیت همه نیروهای راستین سوسیالیسم علمی هوادار انقلاب و حتی مسلمانان مبارزی که دلسوزانه برای تشییت و تحکیم دستاوردهای انقلاب کوشش می‌کنند، کاملاً یا تا حدود زیادی متوقف شده و عملاً اجرای قانون اساسی در مورد آزادی‌های فردی، سیاسی و اجتماعی به حالت تعلیق درآمده است. با وجودی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که خون شهیدان انقلاب در کلیت آن رنگ انداخته و خون شهیدان بایستی که وثیقه اجرای آن باشد، "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی،

خارجی و داخلی ضدانقلاب بودند. این عناصر سازمان یافته ضدانقلابی، با نفوذ در ارگان‌های مختلف و زیر پوشش‌های رنگارنگ به پی‌ریزی و اجرای توطئه برای از میان بردن آزادی‌ها مشغول شدند. اما کسان دیگری نیز بودند که در هموارکردن راه آگاهانه یا ناآگاهانه به ضدانقلاب سازمان یافته مدد رساندند، و می‌رسانند، و همان‌ها بودند که بیشترین مصالح و امکانات را برای این ضدانقلابیون فراهم آوردند. قشرون و افراطیون قشری که به هیچ قانونی پای‌بند نیستند، نزدیک‌ترین پیاور ضدانقلابیون در جهت تحقق اهداف آنها بودند. این‌ها زیر پوشش حمله به "چپ" و مبارزه با "کفر" آشکارا از حملات ضدانقلابیون به نیروهای هوادار انقلاب حمایت می‌کردند، و می‌کنند و به خیال خود تیغ را برای بریدن سر دشمنان بالا می‌برند. غافل از اینکه این تیغ دو لبه دارد. لیب‌الها نیز در این میان بیکار نبودند. آنها که صبحانه خود را در باغ آزادی، نهارشان را در رستوران آزادی و گپ‌های دوستانه‌شان را با برزیسکی زیر چتر آزادی انجام دادند، در برابر این حملات ضدانقلابی روش مزورانه‌ای در پیش گرفتند و به خیال آنکه زهر طرف کشته شود به سود "لیبرالیسم" است حملات به نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی را تأیید و حملات به دیگر گروه‌ها را با سکوت برگزار کردند. آنچه باعث تاسف است اینست که عناصر و جناح‌های واقع بین و با حسن نیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، نیز برغم رهنمودهای امام خمینی

انقلاب ضد استبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران در شرایط فرسایش کنونی و پس از فائق آمدن بر بسیاری از توطئه‌های رنگارنگ جنبه خارجی و داخلی ضدانقلاب بیش از هر زمان دیگر، نیاز به بازگشت به قانونیت انقلابی دارد. و این بازگشت ممکن نیست جز از طریق اجرای اصول قانون اساسی در این زمینه، تضمین آنها و مقابله با هرگونه اقدامی که در جهت ضربه زدن به این قانونیت، صورت می‌گیرد. برخورد جدی با یکی از توطئه‌های دشمنان انقلاب در جهت از میان بردن زمینه‌های فعالیت آزاد سیاسی یکی از طرق اصلی این بازگشت به قانونیت انقلابی است.

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، از همان اوایل پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که، به‌رغم نقائص آن، در مجموع بازتاب روح انقلاب ایران بود، کوشید تا به صور گوناگون از اجرای آرمان‌های انقلابی و اصول قانون اساسی در جهت اجرای این آرمان‌ها مانع به عمل آورد. یکی از زمینه‌های اصلی این مانعیت ضدانقلابی، ست کردن یکی از پایه‌های اصلی انقلاب ایران، یعنی "آزادی" بود. به همین جهت دشمنان انقلاب که آزادی نیروهای هوادار انقلاب، به‌ویژه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خاری در چشم آنان بود، از بدو پیروزی انقلاب، اقدامات وسیعی را به منظور پیمال کردن آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. آنان با حمله به مراکز احزاب و سازمان‌های هوادار انقلاب، با مانع‌ترازی و فرسایشی و نشریات این سازمان‌ها، حمله به اعضای آنها و خلاصه به صور گوناگون این توطئه ضدانقلابی را به مرحله اجرا درآوردند.

گماشتگان آنها در این رده ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، مائوئیست‌های آمریکایی و در یک کلام عوامل سازمان‌یافته

پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

آقای رئیس دیوان عالی کشور!

آیا قانون پرونده اعدام رفقای ما را که اعتقاد

و عمل آنان دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی بوده بررسی کرده‌اید؟

کسانی که حکم اعدام نیروهای انقلابی و فادار به جمهوری اسلامی ایران را صادر کرده‌اند چه خواهند و چه نخواهند مایه خوشنودی و مایه تقویت امپریالیسم و متحدان داخلی آن شده و از حیثیت و اعتبار انقلاب و جمهوری کاسته‌اند.

است در یک مصاحبه مطبوعاتی از اعدام افسران وظیفه‌ای که با حاکم‌داری از خط انقلابی سازمان ما برای دفاع از میهن خود در برابر تجاوز آمریکایی اعدام به خدمت وظیفه رفتند - اعدام به دفاع کرده و متأسفانه روزنامه‌هایی که این مصاحبه را به چاپ رسانده‌اند خود هیچ تفسیری بیرون این اظهارات غیرمسئولانه و مشکوک ارائه نداده‌اند.

با مصاحبه رئیس دیوان عالی کشور را معتمد سردر و یار دیگر مصرأ خواستار رسیدگی جدی دیوان عالی کشور به احکامی هستیم که رفقای ما این صدیق ترین فرزندان انقلاب و مدافعان بی‌گنر جمهوری اسلامی را - حوجه اعدام سیده است ، بدون رسیدگی جدی به این فجایع نمی‌توان ریشه‌های گرایش‌ها و اقدامات قانون شکنانه و خطرناکی که انقلاب و جمهوری را در معرض خطر جدی قرار داده است ریشه‌کن ساخت . بدون رسیدگی جدی به این فجایع نمی‌توان عوامل مشکوکی را زیر شعار دفاع از جمهوری اسلامی قصد ضربه زدن به جمهوری را دارند بازساخت

بی‌تردید مایه نگرانی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن که خواهان ادامه خشونت ، تشنج و قانون شکنی هستند خواهد بود . این مصاحبه کسه نتیجه توجه بیشتر مقامات جمهوری اسلامی ایران به خطرات اقدامات بی‌رویه و زبان‌بار برخی دادگاهها و حکام شرع بی‌باشد خوشحال کننده است و می‌توان آن را گامی در راه استقرار قانون و جلوگیری از قانون شکنی‌های عناصر مشکوک دانست . قانون شکنی‌هایی که هرگاه به تمامی ریشه‌های آن خشکانده نشود انقلاب و جمهوری را با خطرات جدی مواجه خواهد ساخت . ما هنوز شاهد آتیم که عواملی در جمهوری اسلامی هستند که تحت نام دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی آشکارا از اعدام نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری دفاع می‌کنند و با اقدامات خود تشنه به ریشه انقلاب می‌زنند . مثلا در اطلاعات دوشنبه چهارم آبان‌ماه می‌خوانیم که :

سخمی به نام بیستونی که گویا مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران منطقه ۹ کشور

و تماما یا ناشی از غرض ورزی و اعمال نفوذهای مشکوک بوده است و یا ناشی از استباهاتی که محصول شتابزدگی است . بدون تردید بسیاری از مقامات آگاه جمهوری و اکثریت نیروهای صدیق خط امام به خطرات زبان‌بار این فجایع که ما تنها ۱۱ مورد آن را بر سرمدیم آگاهند و به خوبی می‌دانند که کسانی که حکم اعدام نیروهای انقلابی و فادار به جمهوری اسلامی ایران را صادر کرده‌اند چه خواهند و چه نخواهند مایه خوشنودی و مایه تقویت امپریالیسم و متحدان داخلی آن شده و از حیثیت و اعتبار انقلاب و جمهوری کاسته‌اند . آنها با این احکام خود حکم محکومیت انقلاب را صادر کرده‌اند . آقای موسوی اردبیلی در مصاحبه‌ای که در تاریخ یکشنبه سوم آبان‌ماه از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد ، هر چند به صراحت تخلفات وسیع و متعدد دادگاهها و حکام شرع را مورد تأیید قرار نداد ، لیکن اشاره ایشان به مواردی از تخلفات و مواردی از محاکمه و بازداشت حکام شرع

هفته‌های گذشته ۱۱ تن از رفقای ما به گونه‌ای ناجوانمردانه و با اتهامات واهی به جوخه‌های اعدام سیده شده‌اند :

- ۱ - سه مورد اعدام توسط دادگاه شهسور منحصرا به علت خودداری هواداران از نفی اجباری مارکسیسم .
- ۲ - دو مورد اعدام توسط دادگاه سنندج پس از تغییر حاکم شرع و مسایلی که به این امر باز می‌گردد .
- ۳ - یک مورد اعدام توسط دادگاه اردبیل منحصرا به علت کینه‌توزی عناصر مشکوک و ضدانقلاب .
- ۴ - سه مورد اعدام مفرضانه و مشکوک توسط دادگاه شیراز به دلیل واهی و غیرمنطقی .
- ۵ - دو مورد اعدام توسط دادگاه مرکز به اتهام واهی شرکت در تظاهرات مسلحانه بدون کوچکترین توجه به حرف‌های بازداشت‌شدگان بدین ترتیب دیده می‌شود که حتی یک مورد از ۱۱ مورد احکام اعدام صادره از جانب دادگاهها در ۴ ماهه اخیر به هیچ وجه قابل دفاع نیست

اعدام‌های شتابزده رفقای ما که اعتقادشان دفاع پیکر و تا پای جان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و آشتی‌ناپذیری در برابر امپریالیسم آمریکا بوده است ، بی‌تردید قلب هر انسان آگاه ، بیدار و باوجدانی را چه مسلمان و چه غیرمسلمان به درد می‌آورد . برعکس تمامی رسانه‌های گروهی امپریالیسم و ارتجاع جهانی و داخلی و تمامی محافل ضدانقلاب را وامی‌دارد تا با شادمانی و خوشحالی از این فجایع هولناک برای بی‌اعتبار کردن انقلاب و جمهوری اسلامی و شخص امام خمینی و هواداران صدیق او بهره‌برداری کنند . هر کسی که اعدام اکثریتی‌ها ، همه نوکران و متحدان امپریالیسم و همه آنها که می‌خواهند هواداران صدیق امام را مرتجع و غیره وانمود سازند و به فعالیت‌های ارتجاعی و جنایتکارانه خود علیه انقلاب و جمهوری حقانیت بخشند عمیقا و از صمیم قلب خوشحال می‌کند . در ماهها و به‌ویژه

بقیه از صفحه ۳

بنائین آزادی‌های سیاسی ، آرامش ...

" دروغ ، تهمت و تحریک نباشند " تکیه دارد ، ضرورت فوری و حیاتی جامعه انقلابی ماست . ما بار دیگر ضمن یادآوری رهنمودهای امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، منی بر اینکه " ... همه گروهها و احزاب تا وقتی با کثور اسلامی جنگ ندارند ، بطور آزاد عمل می‌کنند ... " (۲۱ اردیبهشت ۶۰ ، روزنامه‌ها - از سخنان امام خمینی در دیدار با گروهی از علمای آذربایجان)

آزادند ، مشروط به اینکه اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند . هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت " (اصل ۲۶ قانون اساسی) و بر مبنای اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۶۰ ، که می‌تواند راهگشای نامین حاکمیت قانون در سال " حکومت قانون " باشد و صریحا بر آزادی بیان و افکار سیاسی کلیه احزاب و گروهها به شرط اینکه مشتمل بر

در هر رگ برگ

خون یاران رفته است

رفقای ما در اسان فارس طی نامه‌ای سوگرافی و زندگی‌نامه رفیق شهید ظاهره حیاتی را برای درج در نوح افتخار سازمان ارسال داشته‌اند . ما ضمن گرمی داشت خاطره رفیق شهید ظاهره حیاتی و همه شهدای به خون خفته خلق به همه مبارزین راه استقلال و آزادی میهمان درود می‌فرستیم .



★ رفیق شهید
ظاهره حیاتی

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

قانون کار جدید کشاورزی باید بر اساس حقوق کار مندرج در

قانون اساسی تدوین شود

صدها هزار کارگر کشاورزی میهن مان باید در پوشش قانون کار و تامین اجتماعی جدید قرار گیرند

ماده ۲۰ قانون کار جدید کشاورزی همانند ماده ۳۳ قانون کار، برگ برنده کارفرماست که به راحتی در هر لحظه به او اجازه می دهد که با پرداخت مبلغ ناچیزی کارگر را از کار اخراج کند.

این نواقص که آئین نامه های مربوط پاسخگوی نیازهای واقعی کارگران باشد، کمیته ای که از کارشناسان و دست اندرکاران مسائل کار و کشاورزی می باشد وظیفه دار گردیده است که قانون کار کشاورزی را مجددا بررسی و نارسایی های آن را مشخص و به صورت پیشنهاد نهایی مشخص و اصلاح و به شورای عالی کار کشاورزی و سپس به مرجع قانونگذاری مجلس شورای اسلامی تقدیم دارد و در ادامه می گوید:

اصلاح و تدوین قانون جدید، از برنامه های کار این بخش است. ما از این برنامه و دیگر برنامه های اداره کل کشاورزی با توجه به اهدافی که در این برنامه ها از آن سخن رفته است "حل مشکل بیمه کارگران بخش کشاورزی" "گسترش و ایجاد تعاونی های مصرف و مسکن" "تشکیل شوراهای" و... استقبال

نگرفته است. اگر کارگران کشاورزی از تشکل برخوردار بودند، این تشکل در موارد بسیاری، اختیاراتی که به کارفرما داده شده است را می توانست خود به عهده گیرد (تصرفه ماده ۷، تصرفه ماده ۹، تصرفه ماده ۱۰) و از همه مهمتر در جهت تدوین و اجرای قانون و همگام کردن کارگران شاغل در بخش کشاورزی با دیگر زحمتکشان در مسیر تدوین و تعمیق انقلاب و مبارزه با امپریالیسم گام های بزرگتری برمی داشت.

ماده ۳۹ گفته می شود: "بیمه کارگران کشاورزی مشمول این قانون، تابع مقررات قانون بیمه های اجتماعی است" ولی عملا در زمینه تامین اجتماعی کارگران کشاورزی اقدام اساسی و موثر صورت نگرفته است، بجز معدودی از کارگران شاغل در واحدهای بزرگ کشاورزی، دیگر کارگران

ماده ۴ و فصل چهارم قانون به مزد و حقوق اختصاص دارد و بخشنامه های نیز در زمینه تعیین حداقل دستمزد تدوین شده و به اجرا درآمده است. ولی متأسفانه حداقل دستمزد تعیین شده (۵۸۵ ریال) نیز تنها بخش کوچکی از کارگران شاغل در بخش کشاورزی را دربر می گیرد و اکثر کارگران کشاورزی از شمول این بخشنامه محروم اند. از طرف دیگر با اینکه سن کار ۱۲ سال است - حداقل دستمزد شامل افرادی که کمتر از ۱۶ سال دارند نمی شود!

در فصل مربوط به قرارداد کار و با توجه به ماده ۲۰ آن کارفرما با یک اخطار ساده می تواند کارگر را هر چند که سال ها سابقه کار داشته باشد اخراج نماید. این ماده که همانند ماده ۴۳ قانون کار است، برگ برنده کارفرماست که به راحتی در هر لحظه و فقط با پرداخت مبلغ ناچیزی

در هنگام اخراج کارگر فقط به او در ازای هر سال کار ۱۵ روز مزد بدون هیچگونه مزایای دیگری پرداخت می شد (ماده ۲۱). موادی که فوقا بیان شد، مواردی است که پس از انقلاب بهمین، مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در آن تغییراتی در جهت تامین منافع کارگران کشاورزی دادند. قانون کار کشاورزی اصلاح شده با آئین نامه های مربوطه (۹ آئین نامه) در اردیبهشت ماه ۵۹ در شورای انقلاب به تصویب رسید و در مرداد ماه همان سال نیز طی بخشنامه های حداقل دستمزد کارگران شاغل در قسمتی از بخش کشاورزی به مبلغ ۵۸۵ ریال تعیین شد. اما اصلاح کارهای از مواد قانون کار کشاورزی ۵۳ و تعیین حداقل دستمزد با توجه به تحولات انقلابی میهن مان و گسترش و اعتلای جنبش کارگری (من جمله در بخش کشاورزی) نمی تواند جوابگوی این زحمتکشان باشد. برای روشن تر شدن این مسئله به بررسی انتقادی قانون کار کشاورزی اصلاح شده می پردازیم:

ماده ۱ و ۲ این قانون دامنه شمول آن را مشخص کرده و از این جهت محدودیت های قانونی قلبی از بین رفته است. این ماده ها کلیه کارگرانی که در بخش کشاورزی به کار اشتغال دارند، را دربر می گیرد. در ماده ۷ ساعت کار کارگران ۸ ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته تعیین شده است. در ماده ۱۲، سن کار ۱۲ سال معین شده است بدین ترتیب نوجوانانی که باید به تحصیل اشتغال داشته باشند، بکار کشیده می شوند. اصولا دولت باید برای نوجوانان روستایی همانند نوجوانان شهری امکان تحصیل فراهم سازد تا آنها بتوانند به تحصیل بپردازند

تدوین یک قانون کار جدید کشاورزی که ناظر بر چگونگی روابط میان کارفرما و کارگر کشاورزی باشد، هر چند، بطور کلی جدا از تدوین قانون کار و تامین اجتماعی نمی تواند اصلیت داشته باشد، ولی در عین حال حائز ویژگی هایی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. آنچه که در حال حاضر به عنوان قانون کار کشاورزی وجود دارد، اصلاحیه ای است بر قانون کار کشاورزی سال ۵۳، که پاسخگوی حوائج و نیازهای جنبش کارگری و انقلابی ما در بخش کشاورزی نیست. از این رو ما جهت اطلاع و توجه مسئولینی که در حال تدوین و یا اصلاحیه های جدیدی در این زمینه هستند، سعی می کنیم ابتدا وجوه افتراق میان قانون سال ۵۳ با اصلاحیه سال ۵۹ را روشن کنیم و آنگاه این قانون اصلاح شده را نیز به نوبه خود مورد بررسی قرار دهیم.

قانون کار کشاورزی مصوب ۱۳۵۲، اساسا در رابطه با کارگران کشاورزی مزارع مکانیزه و کشت و صنعت ها و مزارع دولتی شکل گرفته و تدوین شده بود، از این رو دامنه شمول آن بسیار محدود بود (همچنانکه در ماده ۱ این قانون تصریح شده است) این قانون شامل حال کارگرانی که در کارگاه های فنی و تعمیرگاه های وابسته به مجتمع های کشاورزی، شیلات دامداری ها، مرغداری ها و... بودند، نمی شد. علاوه بر آن در این قانون ساعت کار، ۱۰ ساعت در روز و ۶۰ ساعت در هفته تعیین شده بود (ماده ۷) کارگران حداکثر در سال می توانستند از ۹ روز مرخصی استفاده نمایند (ماده ۱۰) کارگران شاغل در این بخش (کشاورزی) تا سال گذشته (۵۹) از حداقل دستمزد برخوردار نبودند.

برای تدوین قانون کار کشاورزی که مسلما باید همراه با قانون کار و تامین اجتماعی باشد اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد کار و روابط کار باید مبنای قرار گیرد و جوهر این اصول در تار و پود برنامه تجلی یابد.

حتی مزایای تامین اجتماعی را نمی شناسند. در مجموع قانون کار کشاورزی و اصلاحیه های آن و آئین نامه های مربوطه، نمی تواند پاسخگوی نیاز کثونی جامعه متحول ما باشد البته باید توجه داشت که اداره کل کشاورزی وزارت کار و امور اجتماعی نیز تاحدی به نواقص پی برده است. مسئول این واحد در مصاحبه ای با کیهان (۶ مهرماه ۶۰) می گوید: "در عمل پس از یک سال کار با قانون جدید (اصلاحیه) نواقص مختلفی مشاهده گردید که جهت رفع

خسارت" می تواند از آن استفاده نماید. در شوراهای حل اختلاف (فصل ششم) و در شورای عالی کار کشاورزی (فصل هشتم)، نمایندگان واقعی کارگران حضور ندارند، بلکه نماینده هایی که توسط مقامات دولتی تعیین می شوند عضو آندند. و این قبل از همه به علت آن است که کارگران کشاورزی از شورا و سندیکا و حقوق ناشی از آن محروم اند البته در ماده ۳۸ قانون به مسئله سندیکا اشاره شده است، ولی عملا کاری در جهت ایجاد تشکل برای کارگران کشاورزی صورت

می گیریم و برای عملی شدن این برنامه ها و مقدم بر آن تدوین یک قانون کار کشاورزی مترقی توجه مقامات مسئول را به پای بندی و اتکاء به اصول و مبانی قانونی زیر جلب می نمائیم: برای تدوین قانون کار کشاورزی که مسلما باید همراه با قانون کار و تامین اجتماعی باشد، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد کار و روابط کار باید مبنای قرار گیرد و جوهر این اصول در تار و پود برنامه تجلی یابد. در بند ۱۲ اصل ۳ این قانون "بی ریزی بقیه در صفحه ۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی



نمایش: "ساخت ماشین سازی اراک" از سیمای جمهوری اسلامی ایران گامی راهگشا در شناخت مشکلات انقلاب

سیمای جمهوری اسلامی ایران، در این هفته فیلمی مستند، از مشکلات تولیدی کارخانه ماشین سازی اراک به نمایش گذاشت که بیانگر احساس تعهد مسئولان سازندگان آن و مسئولین صدا و سیما از اهمیت و ضرورت طرح مشکلات و حوائج اساسی انقلاب و زحمتکشان میهن ماست. اهمیت این امر قبل از هر چیز در آن است که در این فاز از روند تعمیق انقلاب بیش از هر زمان دیگری که پاسخگویی به حوائج اساسی اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان، اهمیت مبرمی یافته است باید ن از هر چیز بر نقش بنیین کننده مبارزه در راه تأمین استقلال اقتصادی، بازسازی مستقل صنایع کلیدی و مادر (بیاری همه امکاناتی که انقلاب ایران دارد) افزایش تولید و بهبود کیفیت محصولات و... تأکید شود. و از آنجا که این مشکل تنها مسئله تولید و اداره این یا آن واحد نبوده بلکه دقیقاً یک مسئله اجتماعی - سیاسی مرم و حیاتی است، باید همچنانکه مسئولین سیمای جمهوری اسلامی ایران به درستی اهمیت آن را تشخیص داده اند، این مسئله به مثابه یک مسله عمومی (مسئله انقلاب) به استحضار و قضاوت توده های انقلابی مردم برسد. نه های انقلابی مردم که تمام هستی و وجودشان را اینبارگرانه وثیقه پیروزی انقلاب نموده اند، باید بدانند که موانع اصلی راه گداندن و چه سیاست هایی سرنوشت انقلاب را به بازی گرفته است.

مردم باید ضدانقلاب را حتی در استتار شده ترین شکل توطئه گری اش، بشناسند. باید بدانند که چرا لیبرالها و سازشکاران چرا در مهم ترین مراکز تولیدی و خدماتی کشور، همچنان مجال خیانت و اخلاص می یابند.

بهراستی چه کسانی می خواهند مشکلات انقلاب به عرصه رویت و قضاوت نقادانه و قاطعانه مردم در نیاید؟ چه کسانی از طرح این مسائل بیم دارند؟ چه

کسانی بر طرح اصولی این مشکلات از زبان بخشی از مردم (کارگران ماشین سازی) برای همه مردم، نام "گانه گریز کردن مسئله" را می گذارند؟ و سرم انگیزتر و رسواتر، چه کسانی، از فرط فضاخت کارشان حتی برای پاسخگویی و بحث حول این مشکلات می گریزند و حضور نمی یابند؟ واقعیت آن است که طرح مشکلات کارگران و زحمتکشان، طرح مسئله اصلی انقلاب و پاسخگویی شایسته به آن نیز در گروی شناساندن این مشکلات به مردم است.

نمایش فیلم های واقع گرایانه و معبدانه ای چون، از خاک تا خاک، کارگران شوره زار، ساخت ماشین سازی اراک و... گام های شایسته این راه هستند. بر این بخدمت انقلابی و مسئولانه سازندگان آن باید ارج نهاد.

مسئله دیگری که این فیلم به درستی بر اهمیت آن تاکید نمود، علاوه بر طرح مشکل، نشان دادن گام های اولیه و اساسی پاسخ به آن نیز بود. پاسخی که کارگران انقلابی و دلسوز ماشین سازی دادند یعنی (۱ - ضرورت

افشاء و طرد عناصر ضدانقلابی و لیبرال و همه منادیان خط سازش و ملیفان ضرورت ادامه وابستگی به امپریالیزم و همچنین طرح یک برنامه جهت پیشبرد و اداره انقلابی واحدها.

۲ - بهادادن هر چه بیشتر به ضرورت تشکیل و حضور فعاله شورای کارگران در همه عرصه هایی که موضوع مبارزه آن است.

این فیلم به درستی نشان داد که به ویژه در این مرحله از روند تعمیق انقلاب برای پاسخگویی به مشکلات اساسی اقتصادی اجتماعی

به خواست های کارگران ذوب آهن رسیدگی کنید

با برکناری وزراء و رؤسای لیبرال صنایع و معادن و فولاد، گام مؤثری در راه مبارزه برای قطع وابستگی و تأمین استقلال اقتصادی برداشته شد و امکانات تازه ای برای گسترش تفاهم و همکاری متعهدانه نیروهای انقلابی در این صنعت مادر فراهم گردید. اما پیشبرد این وظیفه انقلابی هم اکنون به دلیل برخی تصمیم گیری های شانزده و غیراصولی مسئولین ذوب آهن اصفهان دستخوش اختلالاتی شده است که مهم ترین آن با زیربناهدن بخشی از حقوقی است که کارگران ذوب آهن، طی دو ساله اخیر در اثر مبارزه و تلاش بیگیرانه شان به دست آورده اند. مسئولین کنونی ذوب آهن با این بهانه که تعهد پذیرش این حقوق از جمله مصوبات و تعهدات مسئولین لیبرال سابق (احمدزاده و...) بوده است و نه حاصل مبارزه کارگران، بنابراین از اجرای آن مصوبات جلوگیری می نمایند.

برای اطلاع و توجه مسئولین محترم ذوب آهن و دیگر مسئولین متعهد به انقلاب باید باردیگر خاطرنشان کنیم که نه تنها پذیرش و تصویب حقوق اولیه صغی و رفاهی کارگران (توسط دولت و یا کارفرمایان دیگر) قبل از هر چیز محصول مبارزه کارگران و همه کارکنان زحمتکش است، بلکه پیروزی های بزرگتر دیگر، از قبیل برکناری وزراء و مدیران لیبرال، تصفیه و طرد صدانقلابیون و سازشکاران از مراکز قدرت و... نیز قبل از هر چیز حاصل مبارزات انقلابی و بیگیرانه همین کارگران و زحمتکشان بوده و هست. از این رو نباید بخشی از این دستاوردهای مبارزاتی را (هرچند که در مقایسه با دستاوردهای سیاسی و عمومی انقلاب از اهمیت درجه دومی برخوردارند) با این استدلالات متناقض و نادرست که اینها مصوبات لیبرالها بوده اند بی پاسخ گذاشت. باید باردیگر

۱ - خدمات درمانی کارگران گسترش یافته و عموم کارگران زیر پوشش خدمات درمانی سراسری قرار بگیرند.

۲ - طرح "سختی کار" که حاصل مبارزات عموم کارکنان و تلاش های پیگیر نمایندگان شان در تصویب رساندن آن است، به اجرا درآید.

۳ - ترمیم وضعیت حقوقی کارگران (با توجه به شرایط کار) مطابق مصوبات فوق الذکر به اجرا درآید.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

زحمتکشان و شکست بن بست های جدی، باید نیروی فعاله توده های متشکل مردم تکیه خود و بر سهم دموکراتیک کارگران در اداره امور (به ویژه در واحدهای تولیدی بزرگ) تاکید نمود. و نشان داد که بدون تحمیز انقلاب به این اهرم های کارسازش، بن بست ها همچنان باقی خواهند ماند. و این نکته در سخنان همه کارگران مسهود بود.

کارگران ماشین سازی از خلاء وجود تشکل (شورا) رنج می برند و این بیان این نگیصه اساسی و ناآسفار است که نیرویی که تکیه گاه اصلی برای حل مشکلات است، دارد به هرز می رود.

نکته دیگر، تاکید نایسته ای است که این فیلم بر انبار انقلابی و احساس مسئولیت عمیق و ستایش انگیز کارگران در قبال ضرورت بازسازی و توسعه تولید، تخصص تداوم تولید و افزایش سازدهی کار و مبارزه متشکل و یکبارچه کارگران در راه تأمین استقلال اقتصادی می نماید. بدون شک، آن چه که کارگران مبارز ماشین سازی به عنوان اساس مشکل و چگونگی حل آن بر سر مرده اند، حائز اهمیت اساسی است. هرچند که باید بر آن تاکیدات ضرور. این نکته اساسی و مکمل را الزاما افزود که: تنها با به خدمت گرفتن همه امکانات بالقوه و بالفعلی که انقلاب ایران دارد (اعم از امکانات داخلی یا یاری برادرانه متحدان جهانی انقلاب ایران) پیروزی های بزرگتر و بزرگتر میسر خواهد گردید. به هر حال، تهیه و نمایش حسن آثار مستند، واقع بنانه و معبدانه ای در حل مشکلات اساسی انقلاب به یوه خود، گامی راهگساست. امیدواریم مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و سازندگان زحمتکش این فیلم در ارائه خدمات مردمی و متعهدانه شان در بیان مسئولانه حوائج انقلاب، بیش از پیش توفیق یابند.



بخشنامه‌ها نمی‌توانند جای یک قانون تأمین اجتماعی مترقی و نوین را بگیرند

سازمان تأمین اجتماعی طی دو سال اخیر در مورد بیمه‌های اجتماعی بخشنامه‌های متعددی صادر نموده و به‌اجرا درآورده است که پاره‌ای از آنها چون بخشنامه‌های مربوط به کاهش حق بیمه تعدادی از صنوف در مجموع مثبت است و پاره‌ای چون بخشنامه مربوط به بیمه کارگاه‌های خانوادگی (۲۲۴/۱ فی) دارای نارسایی‌های جدی است. در این بخشنامه آمده است "کارگاه‌هایی که در آن کار، منحصراً توسط افراد خانواده بلافصل کارفرما (از قبیل پدر، مادر و سایر فرزندان) انجام می‌گیرد به شرط آنکه فعالیت کارگاه مشمول مقررات تأمین اجتماعی اعلام شده باشد، مشمول قانون تأمین اجتماعی اعلام می‌گردند. کارفرمایان این قبیل کارگاه‌ها موظفند حق بیمه افراد شاغل در محل کارگاه خود را ... پرداخت نمایند" این بخشنامه از آن جهت که بیمه کردن بخشی از زحمتکشان (کارگران کارگاه‌های خانوادگی) را مد نظر دارد مثبت است ولی با توجه به اینکه کارگاه‌های خانوادگی اکثراً از کارگاه‌های کوچک و کم‌درآمد تشکیل می‌شوند و کارفرمایان آنها به علت محدود بودن سرمایه‌شان، ناچار از بکارگیری فرزندان و بستگان بلافصل خود در کارگاه هستند، موظف‌نمودن آنها به بیمه کردن کارکنان بلافصل خود و پرداخت حق بیمه بر مبنای حداقل دستمزد، با توجه به اینکه کمبود مواد اولیه نیز در حال حاضر باعث رکود کار آنها است، فشاری گران بردوش صنایع کارگاهی کوچک است که به صورت خانوادگی اداره می‌شوند. و این فشار می‌تواند باعث ازهم پاشیدگی بسیاری از این

کارگاه‌ها و تاحدی کاهش تولید گردد. از طرفی در این بخشنامه هیچگونه محدودیت سنی برای فرزندان کارفرما تعیین نشده است و چنانچه مواردی باشد که فرزندان کوچک این قبیل کارفرمایان بیمه‌شده محسوب شوند در حالی که خود پدر که وضع مالی‌اش چندان تفاوتی با یک کارگر ساده ندارد نمی‌تواند از مزایای بیمه استفاده نماید. متأسفانه اکنون که نزدیک ۳ سال است از پیروزی انقلاب ما می‌گذرد، هنوز قانون تأمین اجتماعی رژیم سابق که بر اساس منافع سرمایه‌داران بزرگ و با توجه به منافع احصارات امپریالیستی تنظیم شده است به اجرا می‌آید. این قانون طی سال‌های اخیر فشار سنگینی را بر منافع تولیدکنندگان خرد وارد آورده است و این فشار به نوبه خود موجب اعمال ستم مصاعفی بر کارگران واحدهای کوچک بوده است. اغلب کارگران این قبیل واحدها به تنها از مزایای تأمین اجتماعی برخوردار نیستند، بلکه همیشه در انتظار اخراج و سیکاری نیز سر می‌برند. اینک سرعهده مسئولان سازمان تأمین اجتماعی است که به‌حای صدور بخشنامه‌های متعدد (و بعضاً غیرمسئولانه و مقشوش) با بهره‌گیری از مشارکت دموکراتیک شکل‌های کارگری، بدون تعلل و سامحه، یک قانون نوین و مترقی در زمینه تأمین اجتماعی مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی تدوین نموده و به اجرا درآورند. مسلماً این قانون می‌تواند به‌شکلی محکمی برای حفظ منافع و تأمین اجتماعی همه کارگران به‌ویژه زحمتکشان کارگاه‌های کوچک (از جمله تولیدکنندگان خانوادگی) باشد.

بنیاد مستضعفان باید مشکلات کارخانه آجر هراز را بکمک کارگران رفع نماید

کوره آجرماشینی هراز که ۸۵ کارگر دائمی و عده‌ای کارگر فصلی دارد، از دو ماه پیش تحت مدیریت بنیاد مستضعفان قرار گرفت اما از آنجا که مدیریت آن (که از جانب بنیاد گمارده شده است) فاقد صلاحیت و تجربه لازم جهت اداره صحیح آن است، تولید کوره روی به کاهش نهاده و مشکلات جدی کارگران نیز از طرفی دیگر بی‌پاسخ مانده است. علاوه بر آن، مدیریت آنجا که باید به امر ترمیم و نگهداری ماشینها دستگاه آجرزی، و ... که در حال فرسودگی هستند، توجه لازم را نکرده است. عمده مشکلاتی که گریبانگیر این واحد و کارگران آن است در حال حاضر عبارتند از:

عدم سرمایه‌گذاری لازم جهت راه‌اندازی بخش‌های مختلف کوره، عدم ترمیم دستگاه‌ها، دیرپرداخت حقوق کارگران، گرفتن حق بیمه از کارگران و ارسال نکردن لیست بیمه به اداره بیمه و ... علاوه بر آنها، مدیریت این واحد در ادامه مدیریت علط خود، اخیراً تصمیم نادرستی نیز اتخاذ کرده است و آن بازخرید کردن ۴۰ نفر از ۸۵ کارگر دائمی کوره است. این تصمیم ظاهراً با این توجیه اتخاذ شده است که کوره با ۴۰ نفر باقی‌مانده بهتر قادر به افزایش تولید خواهد بود! و کارخانه از ورشکستگی نجات خواهد یافت. در حالی که کارگران معتقدند که مدیریت درست و

سرمایه‌گذاری مجدد و استفاده صحیح از امکانات موجود می‌توان تولید را بطور گسترده‌ای افزایش داد. باید بر مشکلات و نارسایی‌های فوق‌الذکر، فقدان یک تشکل کارگری در این کارخانه را نیز افزود. کارگران کوره هراز در حال حاضر بیش از هر چیز به تشکلی یکپارچه و منجهم برای تأمین حوائج مرم خویشتن و تضمین تداوم تولید و نوسازی ادارات و گسترش تولید کارخانه نیازمندند. چنین تشکلی می‌تواند و باید با انتقادات بجا و اصولی و ارائه طرح‌های عملی و راهگسا به بنیاد مستضعفان (جهت حسن اداره کارخانه) گام‌های موثری بردارد.

بقیه از صفحه ۵

قانون کار جدید کشاورزی ...

اقتصاد صحیح و عادلانه برای ایجاد رفاه ... مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه مورد تصریح قرار گرفته است در اصل ۲۶، آزادی انحصارهای صنفی به رسمیت شناخته شده است در اصل ۲۸ حقوق داشتن شغل و موظف‌بودن دولت برای تأمین امکان اشتغال به کار برای همه افراد، مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل ۲۹ تأمین اجتماعی مردم به نحو احسن مورد نظر است در اصل ۳۱ تأمین مسکن کشاورزان و کارگران منظور شده است. در اصل ۴۳ که اساسی‌ترین اصل در مورد روابط کار است، مسئله تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند. همچنین رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به

کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری تصریح شده است. در اصول ۴۴، ۴۶ و ۴۹ به بیان‌های اقتصادی لازم در جهت ایجاد روابط کار سالم توجه گردیده است. اصول ۱۰۴ و ۱۰۶ حقوق شورایی کارکنان را مورد توجه قرار داده است مجموعه این اصول می‌توانند در قالب حقوق کار مترقی و نویسی تجلی یابند. حقوق کاری که هنوز مدون نشده است ولی شاخص‌های آن را در اصول قانون اساسی و در چند رکن اساسی می‌توان برشمرد، این شاخص‌ها عبارتند از:

نهی بهره‌کشی و استثمار در محیط کار، همگانی کردن کار و تحدید امکانات زندگی انگلی سرمایه‌داران و توجه اساسی به کار مولد، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، تضمین حق کار کردن برای همه بدون در نظر گرفتن مذهب، نژاد، عقیده،

جنس و ... رعایت آزادی شغل و عدم اجبار افراد به اشتغال در کاری معین، انضباط کار بر پایه ترغیب و تشویق زحمتکشان به افزایش تولید و ارتقای سطح کیفی کار حفاظت و صیانت از کار، مشارکت کارکنان در امر اداره تولید، تثبیت حقوق اتحادیه‌ای، تأمین اجتماعی و رفاه زحمتکشان. قانون کار کشاورزی را باید همچون قانون کار و تأمین اجتماعی نوین با توجه به شاخص‌های فوق تدوین نمود تا حقوق کار مندرجه در قانون اساسی به روشنی و وضوح در قانون کار کشاورزی تجلی یابد. در پایان باید تأکید کرد که برای تدوین و اجرای قانون کار کشاورزی جدید را تسهیل و تسریع نمایند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

تنظیم شناسنامه برای روستاهای کشور اقدامی اصولی و انقلابی است

ما از کلیه اعضا و هواداران می‌خواهیم که در تحقق این امر مهم - همکاری همه جانبه در تمام زمینه‌ها با نهادهای انقلابی و مسئولین اجرایی این طرح و پرستگران بپردازند.

با اجرای بند ج و ن جلوی توطئه‌های فئودال‌ها را بگیرید

دهقانان زحمتکش روستای المکی از توابع بخش سلطانیه زنجان بعد از تلاش‌ها و مبارزات شانروزه خود که علیه فئودال معروف منطقه داشتند موفق گردیدند ۱۵۰ هکتار از زمین‌هایی را که این فئودال در زمان رژیم گذشته با زور سرنیزه از آنها عصب کرده بود، پس بگیرند. و علیرغم همه کمبودهایی که داشتند آنها را به زیر کشت برند. اما هنگام برداشت محصول فئودال مدکور با تحریک عده‌ای از اهالی ناآگاه

روستای قلعه که خود نیز اهل همین روستاست سعی در جلوگیری و اخلال در امر برداشت می‌کند. زحمتکش روستای المکی از مسئولین جمهوری اسلامی و بخصوص نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی می‌خواهند که با تصویب و اجرای هرچه سریع‌تر قانون اصلاحات ارضی و بخصوص بندهای ج و ن آن دست ایشان زالوها را از جان و مالشان کوتاه کرده و به توطئه‌های رکارنگ آنان خاتمه دهند.

صورتی که با دقت و پیگیری تنظیم گردد، گامی بسیار ارزشمند در جهت این امر با اهمیت است. دست‌یابی به این منظور، یعنی برای اینکه اطلاعات و آمار جمع‌آوری شده از دقت کامل برخوردار باشد و مبنای مناسبی برای تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد، ضروری است اولاً برای تمامی کسانی که به عنوان پرستگر مسئولیت پرسس و بر کردن پرشنامه‌ها را به عهده دارند، دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت تدارک دیده شود و ستادهایی در خلال تکمیل پرشنامه برای نظارت بر چگونگی نامین و رفع نواقص آنها سازمان یابد و پرشنامه‌هایی که بطور ناقص تکمیل می‌شود در محل جدا شده و مجدداً در دستور قرار گیرد. به‌علاوه از طریق وسایل ارتباط جمعی و سایر امکانات ضرورت همکاری گسترده و دادن اطلاعات دقیق توسط روستائیان مرتباً به آنها یادآوری شود. خصوصاً این امر از این نظر حائز اهمیت است که توده‌های دهقانی از زمان رژیم گذشته که جمع‌آوری اطلاعات و آمار عمدتاً برای تهیه گزارش‌ها و استفاده‌های بوروکراتیک و یا اخذ مالیات‌های غیرضروری و سایر اقدامات غیرمفید به حال روستائیان انجام می‌پذیرفته است، چندان سابقه ذهنی

جهدسازندگی پس از مدت‌ها تلاش و کوشش شناسنامه آماری روستاهای کشور را تنظیم نموده و اخیراً برای جمع‌آوری اطلاعات و آمار مورد نظر، پرکردن آنها را در دستور قرار داده‌است. این اقدام بسیار مهم و اصولی جهاد ضرورتی که با دقت و ممارست انجام پذیرد دست‌مایه بسیار ارزنده‌ای را برای برنامه‌ریزی اصولی جهت تحول بخش کشاورزی و جامعه روستایی کشور به همراه خواهد داشت و کمبودها و نارسایی‌ها، مشکلات و موانع و اولویت‌ها را مشخص خواهد ساخت. جهادسازندگی طی فعالیت‌های گسترده خود در روستاها از انقلاب تاکنون بنا به تجربه گسترده و عملی به این نتیجه ارزشمند رسیده است که بدون تعیین دقیق نیازها و اولویت‌های جامعه روستایی ایران و بدون هماهنگی و همکاری طبق ضابطه نهادهای انقلابی و ارگان‌های حکومتی که بسر مبنای اطلاعات و آمارهای واقعی و دقیق و برنامه‌های جامع و همه‌جانبه و تقسیم کار متناسب با ظرفیت‌ها استوار باشد، امکان تعیین نیازها و خدمت‌رسانی متناسب با اولویت‌ها و طبق برنامه و جلوگیری از اتلاف انرژی و صرف هزینه نخواهد بود. به همین دلیل شناسنامه آماری روستاهای کشور در

تأمین آب زراعی کود، بذر، سم،
وام و ماشین آلات کشاورزی
خواست مشترک دهقانان
زحمتکش سراسر کشور است

با تضمین خرید محصولات
کشاورزی دست واسطه‌ها
و محترکان را کوتاه کنید

همچنین ما از کلیه اعضا و هواداران می‌خواهیم که در تحقق این امر مهم به همکاری همه جانبه در تمام زمینه‌ها با نهادهای انقلابی و مسئولین اجرایی این طرح و پرستگران بپردازند. و با استفاده از همه امکانات در جهت یادآوری و توضیح ضرورت ارائه اطلاعات دقیق و برخورد مسئولانه توسط روستائیان اقدام نمایند و برای هم‌میهنان روستایی توضیح دهند که این اقدام اصولی جهاد فقط و فقط به منظور دست‌یابی به اطلاعات دقیق‌تر برای پاسخگویی همه جانبه و انقلابی به نیازهای متنوع و مختلف آنهاست.

محصول عمده اکثر روستاهای منطقه نیار آذربایجان، مثل خلفلوس، آرخازلو، و قره‌تپه سیب‌زمینی است و دهقانان این روستاها به دلیل تنگدستی و نیاز مجبورند قبل از فصل برداشت محصول آن را پیش‌فروش کنند، که طبعاً با مبالغ ناچیزی هم که عملاً سلف‌خرها می‌پردازند، در نتیجه این زحمتکش را به غارت می‌برند. همچنین آن عده‌ای هم که محصول خود را پیش‌فروش نکرده‌اند در فصل پاییز که فصل برداشت سیب‌زمینی و عرضه به بازار

است مجبورند آن را با قیمت نازل به فروش برسانند، در صورتی که همین محصول را محترکان خریده و با دو ماه نگهداشتن در انبار به سه برابر قیمت می‌فروشند. برای حل این مشکل دهقانان زحمتکش منطقه، دولت جمهوری اسلامی باید با ایجاد تعاونی‌هایی که به صورت متمرکز و کنترل‌شده امر خرید و نگهداری و توزیع محصول این منطقه را برعهده گیرند، هرچه زودتر دست محترکان و واسطه‌های غارتگر را از دسترنج زحمتکش روستاها قطع نماید.

هم‌میهنان روستائی!
با همکاری همه جانبه جهت آمارگیری روستائی
زمینه دگرگونی‌های بنیانی در روستاها را فراهم سازید

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

علیه جنگ افروزیهای ریگان مردم جهان یکپارچه به پامی خیزند

جنبش صلح به شدت در حال اوج گیری است هم اکنون اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و جنبش رهایی بخش و تمامی نیروهای صلح دوست با اعتقاد راسخ به صلح در راه مبارزه با خطر جنگ هسته ای که آمریکا تهدید به آن کرده است به مبارزه برخاسته اند.

جنبش صلح بشدت در حال اوج گیری است هم اکنون اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و جنبش رهایی بخش و تمامی نیروهای صلح دوست با اعتقاد راسخ به صلح در راه مبارزه با خطر جنگ هسته ای که آمریکا تهدید به آن کرده است به مبارزه برخاسته اند.

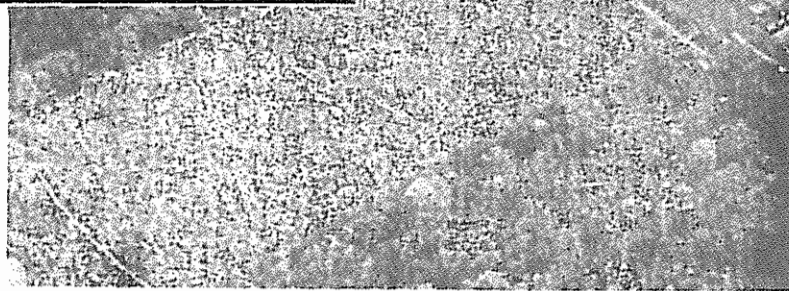
در حاشیه راهپیمایی روز سنه دهم اکتبر ۱۹۸۱ عظیم ترین تظاهرات اعتراضی به خاطر صلح در اروپا و تسنجدایی در شهر بن در آلمان فدرال برگزار شد. بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر که از سراسر آلمان آمده بودند از جسد سو به طرف میدان شهر روان شدند.

حدود دویست حزب و سازمان و دسته و گروه و جمعیت در این تظاهرات پرشکوه شرکت کردند. تعداد ۶۰ نماینده مجلس آلمان فدرال از تظاهرات پشتیبانی نموده و خواستار صلح شدند. هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند. ضمن بردن شعارهای صلح طلبانه، مقالاتی از گار از جمله مقاله "تولید بمب نوترونی جایگزین جدید امپریالیسم آمریکا" (۱۲۲ شماره) به زبان آلمانی در میان تظاهرکنندگان توزیع کردند که مورد استقبال فراوان نیروهای صلح جوی و ترقی خواه قرار گرفت.

همین طور اعلامیه مشترکی از طرف هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان توده (شاخه آلمان) به زبان آلمانی توزیع شد که در آن ضمن افشای سیاست جنگ افروزان امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا، توطئه های امپریالیسم در منطقه و کشورمان نیز افشاء شد. این تظاهرات عظیم ترین تظاهرات پس از جنگ جهانی دوم بود.



هواداران سازمان در تظاهرات صلح در فرانسه



تظاهرات پشتیبانی از صلح در آلمان غربی

نیروهای صلح دوست بود. از طرف دیگر بسیاری شخصیت ها، نهادها و سازمان های جهانی نیز نگرانی خود را از سیاست های جنگ افروزان اعلام نمودند. در جمهوری دمکراتیک آلمان تظاهرات عظیمی در دفاع از صلح برگزار گردید. خزرگاری آ. د. ان، این کشور ضمن انتشار سخنان ریگان نوشت که ریگان به سرنوشت تمام اروپا بی تفاوت است.

از طرف دیگر لئونید برزنف طی مصاحبه ای با برابودا، سخنان ریگان را مورد انتقاد شدید قرار داد و بار دیگر بر سیاست اتحاد شوروی مبنی بر حفظ صلح جهانی، مقابله با سیاست های جنگ افروزان و خواست از سرگیری مذاکره برای محدودیت سلاح های هسته ای تاکید نمود. حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره ۲۶ خود برنامه جامعی برای حفظ صلح تدوین نموده است. که تاکنون اشترات عمیق و گسترده ای در جهان باقی گذاشته و با استقبال وسیع روبرو شده است.

غربی مستقر شود. در ایتالیا در حالی که بیش از ده میلیون کارگر صنایع در اعتصاب بر می بردند. تظاهرات عظیمی بر له صلح و علیه جنگ برگزار گردید. در شهر پاریس تظاهراتی با شرکت هزاران نفر در دفاع از صلح و علیه سیاست های ریگان برگزار گردید. شرکت کنندگان در سمپوزیوم صلح در هیروشیما - زابن ضرورت مبارزه علیه سیاست نظامی گرایانه آمریکا را خاطر نشان ساختند. همچنین تظاهراتی به دعوت کمیته اصلی این کشور با شرکت دهها هزار نفر برگزار گردید.

در یونان مردم این کشور با رایبی که به سوسیالیست ها در انتخابات دادند، نشان دادند که خواهان بیرون آمدن این کشور از ناتو و برچیدن پایگاه های آمریکایی در خاک یونان که در برنامه سوسیالیست ها طرح شده بود می باشند. سایر شهرهای اروپا و آمریکا نیز شاهد راهپیمایی ها و میتینگ های مختلف

به دنبال تظاهرات موفقیت آمیز مردم آلمان غربی امواج مخالفت با سیاست های جنگ افروزان امپریالیسم بسیاری از کشورهای جهان را در خود فرو برده. جنبش مبارزه در راه حفظ صلح جهانی بخصوص پس از سخنان هفته اخیر ریگان ابعاد نوین و بسیار گسترده تری به خود گرفته است. ریگان با وقاحت پایان ناپذیری اعلام کرد که برپایی یک جنگ هسته ای محدود در خاک اروپا در حالی که خاک آمریکا را به مخاطره ای جدی روبرو سازد کاملاً محتمل می بیند.

تعفن نفرت انگیز این سخنان بی پرده نمایندگان راست گراترین جناح های بورژوازی امپریالیستی مشام هر انسان آزاده و صلح دوست را می آزارد ریگان بدون هیچ پرده پوشی اعلام می دارد که برای حفظ مافوق سودهای انحصارات نظامی حاضر است میلیون ها انسان را درجا هلاک سازد، دستاوردهای گرانقدر بشریت را در معرض خطر نابودی قرار دهد و بر ویرانه شهرهای انباشته از اجساد میلیون ها کارگر و زحمتکش مراسم دریافت نشان سعیت، درندگی آدمخواری و قتل جمعی برای خود و سایر همدستان تبهکارش برپا سازد اما مسئله به همین جا محدود (!) نمی شود چرا که تمامی کارشناسان نظامی حتی برخی کارشناسان آمریکایی تاکید دارند که یک جنگ هسته ای "محدود" به هیچ رو به خاک اروپا محدود نخواهد شد و این سیاست تخریب هسته ای بدون تردید سراسر جهان را به کام خود فرو می کشد.

پس از تظاهرات بن، دیگر شهرهای اروپا آمریکا و زابن نیز در خورش صلح طلبانه کارگران و زحمتکش غرق شدند. بیش از دویست هزار نفر در لندن بر ضد نقشه استقرار موشک های جدید آمریکایی با کلاهک های نوترونی در اروپا دست به اعتراض زدند. شرکت کنندگان در میتینگ صلح لندن خواستار امحای پایگاه های آمریکایی در انگلستان و از سر گرفته شدن مذاکرات خلع سلاح با اتحاد شوروی شدند. صدها هزار نفر از اهالی اتریش در شهرهای مختلف در نمایش ها و راهپیمایی های صلح شرکت نمودند. شعار اصلی راهپیمایان چنین بود:

"نباید بگذاریم که سلاح موشکی و هسته ای میان برد آمریکا در اروپای

فراموشی می بیند. سخنان بی پرده نمایندگان راست گراترین جناح های بورژوازی امپریالیستی مشام هر انسان آزاده و صلح دوست را می آزارد ریگان بدون هیچ پرده پوشی اعلام می دارد که برای حفظ مافوق سودهای انحصارات نظامی حاضر است میلیون ها انسان را درجا هلاک سازد، دستاوردهای گرانقدر بشریت را در معرض خطر نابودی قرار دهد و بر ویرانه شهرهای انباشته از اجساد میلیون ها کارگر و زحمتکش مراسم دریافت نشان سعیت، درندگی آدمخواری و قتل جمعی برای خود و سایر همدستان تبهکارش برپا سازد اما مسئله به همین جا محدود (!) نمی شود چرا که تمامی کارشناسان نظامی حتی برخی کارشناسان آمریکایی تاکید دارند که یک جنگ هسته ای "محدود" به هیچ رو به خاک اروپا محدود نخواهد شد و این سیاست تخریب هسته ای بدون تردید سراسر جهان را به کام خود فرو می کشد.

اینک در شرایطی که امپریالیست ها سرنوشت بشریت را این چنین گستاخانه به بازی گرفته اند، امر مرم صلح، این حادثه ترین و حیاتی ترین خواسته بشریت ترقی، ضرورتی صدچندان

فراموشی می بیند. سخنان بی پرده نمایندگان راست گراترین جناح های بورژوازی امپریالیستی مشام هر انسان آزاده و صلح دوست را می آزارد ریگان بدون هیچ پرده پوشی اعلام می دارد که برای حفظ مافوق سودهای انحصارات نظامی حاضر است میلیون ها انسان را درجا هلاک سازد، دستاوردهای گرانقدر بشریت را در معرض خطر نابودی قرار دهد و بر ویرانه شهرهای انباشته از اجساد میلیون ها کارگر و زحمتکش مراسم دریافت نشان سعیت، درندگی آدمخواری و قتل جمعی برای خود و سایر همدستان تبهکارش برپا سازد اما مسئله به همین جا محدود (!) نمی شود چرا که تمامی کارشناسان نظامی حتی برخی کارشناسان آمریکایی تاکید دارند که یک جنگ هسته ای "محدود" به هیچ رو به خاک اروپا محدود نخواهد شد و این سیاست تخریب هسته ای بدون تردید سراسر جهان را به کام خود فرو می کشد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

«تروویسم اقتصادی»

بادست یابی به اقتصادی مستقل دروهم می شکند

با یک سیاست روشن اقتصادی که می باید فعالیت بخش خصوصی را محدود کرده و در کنترل و نظارت دولت درآورد و در زمینه خارجی پیوندهای اقتصادی ما را با اقتصاد جهانی امپریالیستی قطع نماید ، می توان به رشد مستقل اقتصادی دست یافت و اقتصاد کشور را در راستای تامین منافع محرومان سازمان داد .

انقلاب مردم میهن ما از نخستین روزهای اوج گیری آن و پس از سرنگون کردن رژیم وابسته شاه در معرض تهاجم نیروهای ضدانقلاب داخلی و خارجی قرار داشته است . این امری است بدیهی چرا که انقلاب سرفه چپاولگرهای انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران وابسته داخلی را برهم ریخته و نهایتا آن را به طور کامل بر خواهد چید . پس این طبیعی است که دولت های امپریالیستی و دولت های مرتجع وابسته ، انحصارات چند ملیتی و کلان سرمایه داران و بزرگی مالکان تمامی نیروی خود را بسیج کنند ، از تمامی حربه هایی که در اختیار دارند بهره گیرند تا در جبهه های متشکل ، با برنامه های همه جانبه و تاکتیک های هماهنگ انقلاب ایران را با مشکل مواجه کنند ، تا دولت جمهوری اسلامی ایران را دچار ناتوانی سازند ، تا این باور باطل را رواج دهند که انقلاب یعنی فقر ، یعنی گرانی ، یعنی بیکاری ، تا زیرکانه این شعار را در اذهان ناآگاه بنشانند که : "گذشته بهتر از این بود ."

از زمانی که پیشرفت انقلاب ، لبرالها را از بسیاری مواضع به زیر کشید و بسر سیاست آنان که تحکیم گام به گام سلطه امپریالیسم بود مهر باطل کوبید ، امپریالیسم جهانی حلقه محاصره ای را که بر گرد اقتصاد ایران برپا کرده بود تنگ تر کرده است و وابستگی شدید اقتصاد ایران به انحصارات امپریالیستی به

همزمان تبلیغ کنند " که گذشته بهتر از این بود " . برای مقابله همه جانبه با این جنایتکاران و خرابکاران باید با اقدامات انقلابی ریشه آنها را خشکاند . این کار با انجام دگرگونی های بنیادین در نظم اقتصادی کشور امکان پذیر است . دگرگونی هایی که تکامل جامعه و شکوفایی جمهوری اسلامی انجام آن را ضروری و احتیاجناپذیر ساخته است . این دگرگونی های بنیادین متوجه دره هم شکستن کلان سرمایه داری و بزرگی مالکی است که خط سازش از آن نیرو می گیرد و سرمشقا فقر و تباهی ، گرسنگی و بی خانمانی برای دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا است و از این سرمشقا فساد و تباهی هر روز توطئه های جنایتکارانه تازه ای علیه انقلاب ساز می شود . دولت جمهوری اسلامی باید عملا به مردم محروم نشان دهد که علیرغم فشارها و تضییقاتی که امپریالیسم جهانی و آبادی داخلی آن بر اقتصاد میهن وارد می آورند ، انقلاب در جهت تامین منافع توده های محروم است و سمت و سوی آن در جهت رفع محرومیت ها ، ستم ها و غارتگری های ناشی از سلطه امپریالیسم است . پیام پر اهمیت امام خمینی به مجلس و تفویض برخی اختیارات رهبری به اکثریت مجلس اینک عملا راه را بر انجام اصلاحات لازم باز کرده است . لازم است پیشبرد موفقیت آمیز اصلاحات ،

بسیج توده ها در جهت مبارزه گسترده برای رفع زمینه ها و نیز عوارض بحران اقتصادی ای است که در نتیجه فعالیت های خرابکارانه انحصارات امپریالیستی و نیز سرمایه داران وابسته داخلی بر اقتصاد میهن سایه انداخته است . اصلی ترین مسائلی که در دو سال و نیم گذشته به صورت گره گاه هایی بروز کرده و بدون حل آنها تدوین برنامه اصلاحات و اجرای آن عملا نامقدور است در دو زمینه تعیین ابعاد و حدود مالکیت ، و مضمون روابط اقتصادی خارجی خلاصه می شود .

تعیین ابعاد و حدود مالکیت

دو سال و نیم از انقلاب می گذرد . طی این مدت بزرگسالی و کلان سرمایه داری تنها خراش های جزئی برداشته است و این در شرایطی است که کینه توزانه ترین دشمنی ها از سوی کلان سرمایه داری و بزرگی مالکی متوجه انقلاب بوده و هست . پیشرفت انقلاب اکنون به جایی رسیده است که می باید غفلت های دو سال و نیمه را با سرعت تمام جبران کنیم و تضمین های استواری برای حفظ دستاوردهای انقلاب فراهم آوریم . نخستین گام اساسی و تاخیرناپذیر در این راه درهم شکستن بزرگی مالکی و کلان سرمایه داری است . این مهم به هیچ وجه با اقدامات موضعی نمی تواند

تحقق یابد . باید با تنظیم سیاستی عمومی و همه جانبه در این راه گام گذاشت و با اجرای بدون خدشه آن آماج های انقلاب را که خواست محرومان است پیروزمندانه متحقق ساخت . سرمایه چون آب سیال است و همواره به طرف گودالی جریان می یابد که امکان فعالیت در آن باشد و نرخ های سود در آن هر چه بیشتر . تا هنگامی که امکان فعالیت سرمایه های وابسته در جایی در اقتصاد داخلی وجود داشته باشد بستن راهی بر آنها ، آنها را به سوی راهی که هنوز باز است سوق می دهد . در دو سال و نیم گذشته دیدیم با محدود شدن امکان فعالیت سرمایه های بزرگ و وابسته در برخی از رشته های صنعتی این سرمایه ها به سوی رشته های دیگر و نیز به سمت تجارت خارجی و توزیع داخلی روی آورده اند و با آشفته بازاری که در این بخشها برپا است سودهای کلان به آنان ریخته و خرابکاری های بسیج کننده کرده اند . موفقیت در خلع ید از سرمایه داران بزرگ مستلزم پیشبرد همه جانبه این سیاست در تمامی بخش های اقتصادی میهن است . از این رو است که ملی کردن صنایع وابسته ، ملی کردن تجارت خارجی و خلع ید از عمده فروشان انحصاری و اجرای کامل اصلاحات ارضی (اجرای بند ج و دال قانون اصلاحات ارضی) اجزائی از سیاستی هستند که بقیه در صفحه ۱۱

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

بقیه از صفحه ۱۰

«تروریسم اقتصادی»

بادست یابی به اقتصادی مستقل...

دولت جمهوری اسلامی باید عملاً به مردم محروم نشان دهد که علیرغم فشارها و تضيیقاتی که امپریالیسم جهانی و ایادی داخلی آن بر اقتصاد میهن وارد می‌آورند، انقلاب در جهت تامین منافع توده‌های محروم است و سمت و سوی آن در جهت رفع محرومیت‌ها، ستم‌ها و غارتگری‌های ناشی از سلطه امپریالیسم است

قابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر است بسیج آگاهانه و متشکل توده‌ها مؤثرترین پشتوانه برای پیشبرد این سیاست است. هرگاه رسانه‌های گروهی دولت جمهوری اسلامی ایران بتوانند علل محرومیت توده‌ها و مشکلات و موانعی را که سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ در راه کسب استقلال همه‌جانبه میهن و تامین پیروزی مردم پدید می‌آورند، به درستی به همه توده‌های مدافع انقلاب بشناسانند، بدون تردید دولت خواهد توانست با حمایت توده‌های مردم هر شکلی را از سر راه بردارد.

قراردادها و مذاکرات جدی برای عقد قرارداد میان ایران و کره شمالی، رومانی و یوگسلاوی شوروی و بلغارستان و کوبا از جمله نخستین گام‌های مثبت و موثر دولت جمهوری اسلامی در این زمینه است. سیاست گسترش روابط متقابل اقتصادی میان ایران و کشورهای سوسیالیست و مرفی در چهارچوب برنامه‌های همه‌جانبه و منطبق بر نیازهای رشد مستقل اقتصادی به منظور تامین هرچه سریع‌تر نیازهای مبرم توده‌های محروم و زحمتکش میهن باید پیگیرانه و قاطعانه به پیش رود.

می‌باید کنترل جامعه و دولت را بر فعالیت آزاد سرمایه ممکن گرداند- آنچه‌انکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است می‌باید سیاست اقتصادی خارجی ایران در جهت گسستن پیوندها و روابط سلطه‌آمیز اقتصاد ایران با اقتصاد امپریالیستی سازمان داده شود. برای این منظور جمهوری اسلامی می‌باید روابط خود را با جبهه جهانی ضدامپریالیستی در زمینه اقتصادی نیز گسترش دهد تا انقلاب را از امکاناتی که این جبهه در زمینه شکوفایی یک اقتصاد مستقل در اختیار ما می‌گذارد برخوردار سازد. روابط اقتصادی متقابل با اقتصادهایی که حامی و پشتیبان انقلاب مردم ما هستند، باید گسترش یابد با همیاری همسنگی و کمک

می‌شود. این پیوندها و روابط هم‌اکنون نیز علیرغم وجود اختلافات عمده در آن هنوز وجود دارد و وجود این پیوندها خود حربهای مخرب در دست امپریالیسم برای مقابله با انقلاب مردم ما است - ضروت پیشبرد انقلاب علاوه بر انجام اقداماتی که در بالا بدان اشاره شد، مستلزم مبارزه در جهت قطع این پیوندها است و این اعمال سیاسی قاطع و همه‌جانبه را در سیاست اقتصادی خارجی ضروری می‌دارد. سمت و سوی اقتصاد وابسته میهن تا کنون در جهت تأمین نیازهای انحصارات امپریالیستی و الزامات رشد اقتصادهای امپریالیستی

رکن اصلی برنامه اقتصادی دولت را باید تشکیل دهند. تاکنون مدافعان آزاد و بی‌قید و شرط سرمایه، در حاکمیت و در بیرون آن، موانع بزرگ بر سر این راه در مقابل نیروهای صدیق خط امام قرار داده‌اند. حکم اخیر امام بخشی از این موانع را برطرف کرده و شرایط مساعدی برای شکوفایی جمهوری اسلامی بوجود آورده است. اکنون این برعهده مجلس شورای اسلامی است که با بهره‌جویی از پشتیبانی امام خمینی در جهت تصویب قوانینی که راه را برای اجرای سیاست‌های ضروری در خلع ید از سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ بگشاید، گام برنهد. این بدیهی است که قشربون مخالف اجرای اصلاحات اساسی، هم‌صدا با لیبرال‌ها، این مدافعان رسمی آزادی فعالیت سرمایه، صحنه مجلس را صحنه مقابله‌جویی کنند و بکوشند مانعی در راه تصویب این قوانین نباشند.



مخالفت لیبرال‌ها و قشربون مدافع آزادی سرمایه و پایه‌رانی‌های تبلیغاتی امپریالیسم در این راه امری

سیاست گسترش روابط متقابل اقتصادی میان ایران و کشورهای سوسیالیست و مرفی در چهارچوب برنامه‌های همه‌جانبه و منطبق بر نیازهای رشد مستقل اقتصادی به منظور تامین هرچه سریع‌تر نیازهای مبرم توده‌های محروم و زحمتکش میهن باید پیگیرانه و قاطعانه به پیش رود.

اما در صحنه مبارزه طبقاتی تضمین تصویب و مهم‌تر از آن تضمین اجرای قوانین مرفی، بسیج متشکل نیروهای خلقی است. مبارزه متشکل کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و اتحاد تمامی نیروهای خلق نیروی است که می‌تواند راه را بر خرابکاری‌های سرمایه‌های وابسته ببندد و عرصه را بر نمایندگان مدافع آزادی بی‌قید و شرط سرمایه تنگ کند، و راه‌گشای تصویب و اجرای مؤثر قوانین مرفی باشد.

۲- مضمون سیاست اقتصادی خارجی

وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم با پیوندهای گسترده آن با انحصارات امپریالیستی و اقتصاد سرمایه‌داری جهانی تعریف

جهان بوده است. صادرات تک محصولی نفت ایران مهم‌ترین رشته پیوند میان اقتصاد ایران و بازار جهانی سرمایه‌داری بوده است و از این راه امکانات حیات و رشد اقتصاد وابسته ایران فراهم می‌آمده است. هم‌اکنون امپریالیسم جهانی، با تکیه بر وجود چنین پیوندی دست به تحریم خریدنفت ایران زده است و می‌کوشد فشار اقتصادی را به اهرمی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبدل سازد. از این روی، همراه و همزمان با ایجاد تحولاتی اساسی در اقتصاد داخلی در چهارچوب برنامه‌های همه‌جانبه، که رکن اساسی آن درهم‌شکستن بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری است که

منتشر شد

نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
بنازنامه‌های حزبی و نام کمونیسم‌های شوروی
(۱۱۲۲ شماره)

برادرانه جبهه جهانی انقلاب، همچنانکه تجربه انقلاب‌های بیروز جهان نشان می‌دهد، می‌توان به سلطه اقتصادی انحصارات امپریالیستی بر اقتصاد میهنمان پایان داد. اقتصادی مستقل ایجاد کرد، گرانی و بیکاری را درهم شکست و به نیازهای مبرم توده‌های محروم پاسخی شایسته داد. با تعمیق انقلاب با تنگ‌تر شدن حلقه محاصره امپریالیسم بر گرد روز بر دیر باوران مسلم‌تر می‌شود که گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیست و مرفی ما را در مبارزه علیه امپریالیسم و مقابله با اثرات سیاست‌های خرابکارانه سرمایه‌داران وابسته توانمند می‌سازد.

☆ رحمان کریمی مبارز خستگی ناپذیر خلق گرد شهید شد

• شهادت رحمان کریمی به دست سنار مامدی و جهانگیر اسماعیل زاده خائنین به خلق کرد صورت گرفت

بقیه از صفحه ۱۶

وحدت و آشتی مجدد سنار با باند قاسلو و طرح توطئه بخنیا و آریسی در منطقه برای درهم شکستن اتحاد رزمندگان است که بین نیروهای کرد طرفدار انقلاب و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پدید آمده بود. اتحادی که در اولین گام‌های خود به پیروزی‌های درخشان انقلاب در ناراندن باند ضدانقلابی قاسلو و دستجات مسلح اویسی - پالیزبان و بختیار و دیگر نزدوران امریکایی انجامید. شهادت رحمان کریمی، در عین حال هشداري تکان دهنده به مسئولین جمهوری اسلامی است. گرچه رحمان به دست عوامل خیانت‌پیشه باند ضدانقلابی قاسلو به شهادت رسید، اما در همان حال، او قربانی سیاست تفرقه جویانه کوردلانی گردید که مانع از آند تا اساس سیاست جمهوری اسلامی در کردستان بر یک بنیان اصولی استوار گردد. سیاستی که درک نمی‌کند همکاری‌های صریح و مداوم با نیروهای مردمی و مدافع انقلاب و جمهوری چه تأثیرات عظیمی در افراد قطعی ضدانقلاب در میان توده‌های مردم کردستان و شکست نهایی آن دارد! سیاستی که در بهترین حالت خود، هنوز هم از اتحاد و همکاری ارگان‌های جمهوری باند نیروهای طرفدار جمهوری در کردستان، تنها پاره‌ای مقاصد محدود نظامی را می‌فهمد! و بالاخره سیاستی که برخلاف پیام‌های تاریخی امام در ۲۶ آبان ماه سال ۵۸ و اول بهمن ماه سال ۵۹ هنوز هم نمی‌خواهد بپذیرد که راه غلبه قطعی بر ضدانقلاب در کردستان، پاسخگویی به خواست‌های برحق خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی و در گرو وحدت گسترده تمام نیروهای صادق مدافع انقلاب و

جمهوری در رسیدن به این هدف است! سازمان ما با بزرگداشت خاطره کاک رحمان کریمی مبارز خستگی ناپذیر خلق کرد این جنایت فجیع را محکوم می‌سازد. در ارتباط با شهادت کاک رحمان کریمی از سوی کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) و سازمان کنگره چهارم (فدائیان خلق ایران) (اکثریت) - ارومیه اعلامیه‌هایی صادر شد که در زیر اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) را می‌خوانید:

آنان که ره خلق بگیرند نمی‌روند

بار دیگر دست ضدانقلاب به خون یک انقلابی آغشته شد

حمایت از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران برخاسته و در راه پیروان کنگره چهارم حرکت خواهند کرد.

دیری نگذشت که جهانگیر اسماعیل زاده از همکاری دست برداشت و بار دیگر با قاسلو ارتباط برقرار ساخت محاصره بخشی از روستاهای اطراف سلماس وسیله دار و دسته قاسلو موجب شد که سنار از همه جا تقاضای کمک کند.

حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) برای نجات منطقه از تهدیدات ضدانقلاب و برای نجات سنار و همراهانش با همکاری برادران سپاه پاسداران و نیروهای مدافع انقلاب، به تعقیب دار و دسته قاسلو پرداخته، موفق شدند منطقه سلماس و صوما را که مرز ایران و ترکیه است از لوث وجود ضدانقلاب پاکسازی نمایند.

سنار پس از نجات از خطر به جای تقدیر از فداکاری کریمی و سپاه پاسداران و نیروهایی که وی را از خطر نجات داده بودند، بهانه‌گیری، تهدید و توطئه را آغاز کرد و از استرداد اسلحه‌هایی که به عنوان امانت دریافت داشته بود، خودداری کرد. اما پس از ملاقات با دو تن از مسئولین حزبی قول داد در تاریخ هفدهم مهر ۶۰ اسلحه‌ها را مسترد دارد.

روز بیست و یکم مهر ۶۰ در حالی که کاک رحمان و یک مسئول حزبی، همراه دو تن از مسئولین سپاه بر اساس وعده سنار به منطقه رفتند. برخلاف آداب و سنت متداول کردستان که احترام مهمان را وظیفه‌ای مقدس و واجب می‌دانند، افراد مسلح سنار به دستور وی و جهانگیر اسماعیل زاده مهمانان را دستگیر و زندانی کردند کوشش همه‌جانبه برای آزادی شهید رحمان بی نتیجه ماند.

روز یکشنبه بیست و ششم مهر ۶۰ به دستور سنار و جهانگیر کاک رحمان به شهادت رسیده و جنازه پاک اوبه دره چهریق نزدیک سلماس انداخته شد. پرواضح است که این جنایت سنار و شرکاء بخشی از نقشه نیروهای ضدانقلاب و ارتجاع است برای اینکه بار دیگر قدرت را در منطقه بدست گیرند. این جنایت ارتباط مستقیمی با توطئه‌های بختیار و اویسی در ترکیه دارد و شرطی است برای آشتی و وحدت مجدد سنار با دار و دسته مزدور قاسلو.

تصادفی نیست که مدتی است رادیوسوی باند قاسلو از قریب الوقوع بودن اشتعال مجدد آتش جنگ در شمال کردستان خبر می‌دهد و رادیو بختیار نیز اعلام می‌دارد که به زودی در بخشی از کشور دولت موقت اعلام می‌گردد.

هم‌میهنان گرامی! خلق متمرد کرده کردستان!

رحمان فرزند راستین و ارزشمن انقلاب تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفس به انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی ایران به رهبری امام خمینی و به جمهوری اسلامی و حزبش وفادار ماند و پیمان شکنی نکرد.

با کمال تأسف همچنان که در مرکز حزب جمهوری اسلامی در تهران و در کاخ نخست‌وزیری سرسپرده‌های خائنی نظیر کلاهی و کشمیری نفوذ می‌کنند و به عامل جنایات سوحش شهادت دههاتن از زمامداران مملکتی تبدیل می‌شوند در کردستان نیز سنار و جهانگیر پیسدا می‌شوند و دست پلید خود را به خون فرزندی انقلابی نظیر کاک رحمان آغشته می‌سازند.

این رویدادها، هشداري است برای همه نیروهای مدافع انقلاب که صفوف خود را با دقت و کنجکاوی از وجود عوامل خائنی که چهره خود را در زیر مارک انقلابیگری دروغین پنهان کرده‌اند پاک

بقیه در صفحه ۱۴

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

گزارشی از چهارمحال و بختیاری

به خواست‌های اساسی دهقانان زحمتکش چهارمحال و بختیاری رسیدگی کنید

در روستاهای استان چهارمحال و بختیاری نیز نند اکثر نقاط میهنمان ساله ارضی و نفوذ و انرژی خوانین و بزرگ بین‌داران یکی از مشکلات اساسی دهقانان زحمتکش تشکیل می‌دهد. از همان دای پیروزی انقلاب آرزات پی‌گیر دهقانان طبقه علیه خوانین و بزرگ الکان شروع شد و علیرغم رشک‌های دولت موقت، دهقانان زحمتکش به روزی‌های چندی دست فتنند و بخصوص سقوط یلت موقت، طرح اصلاحات رضی و تشکیل هیات‌های خفزی و واگذاری زمین نوری پدی در دل آنان تابانده امیدوارترشان ساخت. تا نکه بساله توقف اجرای بند ج و "د" و بیرون خزیدن ودال‌ها از سوراخ‌هایشان غارت دوباره و تهدید و ار دهقانان گره مشکل را چنان کورنگه‌داشت. در منطقه کوه‌رنگ که به ییل کوهستانی بودن زمین اورزی کم‌تر از سایر مناطق ت این مساله حدت شتری می‌یابد. اهالی ستای خانی‌آباد از طایفه ، که چهار مالک اکثر بن‌های آن‌را به خود تصاص داده‌اند. در ربور ماه سال جاری با مال طوماری به حضور رهبر لایب خواستار اجرای بند "د" و "ج" قانون اصلاحات سی شده و اعلام کردند ما هر قدمی در این جهت -ارید ما مستضعفان روستا همراه خود خواهیم شت

همچنین زحمتکشان ستای جوانان از توابع زکرد در اوایل تابستان شته به دنبال شکایت‌های اثر خود به دادگاه انقلاب پرکرد، شکایتی به دادگاه نلاب اصفهان نوشته و به یآمدن خود را از فشار یا و عوامل خان‌ها ابراز نتند. در این روستا از

مدت‌ها قبل عده‌ای از بقایای فئودال‌ها و عناصر خانه‌های انصاف سابق به مردم اجحاف می‌کنند و مقداری از مراتع عمومی روستائیان را تصاحب و به دور آن سیم خاردار کشیده‌اند که این مساله هنوز حل نشده است. در فارسان یکی از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری زمین‌های مصادره شده فئودال‌ها توسط خود جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفان کشت می‌شود، اما چندی است عده‌ای از دهقانان مرفه اقدام به تصاحب و کشت بخشی از این زمین‌ها نموده‌اند که این مساله هرچه سریع‌تر باید رسیدگی شود. همچنین در همین شهر یکی از مالکین بزرگ وقتی مساله اصلاحات ارضی مطرح شد زمین‌های خود را وقف خاص نموده و اداره بهداشت هم ساختمان بیمارستانی را با ۴۰۰۰ متر زیربنا در قسمتی از آن شروع کرد، اما با توقف اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی، مالک روحیه گرفته و با آوردن حکم تخلیه از روحانیون صاحب نفوذ و ارتجاعی کار پیمانکار را تعطیل نمود. در اطراف شهر کرد مقدار زیادی زمین اجاره‌ای وجود دارد که مالکین آنها عمدتاً در شهر دارای مشاغل خصوصی و یا اداری هستند. روی زمین‌های این افراد دهقانانی کار می‌کنند که پس از برداشت محصول مقداری از آن را به نام "گو" به مالک زمین می‌داده‌اند، اما اکنون در بسیاری موارد دهقانان دیگر حاضر به دادن "گو" نیستند.

به عنوان مثال دهقانان مزارع "هلیجان" و "تلجان" دیگر به مالک سهم ارباب نمی‌پردازند. صاحبان زمین‌ها هم چون می‌بینند دستشان به‌جائی نمی‌رسد چاره را در اخراج زارعین از روی زمین‌ها دیده‌اند. دهقانان مزرعه شوره‌بومی در

مقابل این حرکت ایستاده‌اند و به کشت خود ادامه می‌دهند، اما زارعین مزرعه منصوریه که تحت فشار بودند به هیات هفت نفره نامه نوشته و چون هیئت اقدامی نکرد آنها اخراج شدند. در مزرعه فراب نیز مالکین از طرف دادگستری حکم تخلیه می‌آوردند، زارعین با مراجعه به هیات، نامه‌ای دریافت می‌دارند که در آن گفته شده بود دادگستری حق پس گرفتن زمین را ندارد و دهقانان به کشت خود روی زمین ادامه می‌دهند.

شوراهای روستائی در منطقه: در استان چهارمحال و بختیاری شوراهای همیاری روستائی به عنوان ارگان‌های اجرایی دولت با کمک فرمانداری و مرکز هماهنگی شوراها شکل می‌گیرند و در مقابل آنها پاسخگو هستند. هر روز و هر هفته دهقانان منطقه شاهد شکل‌گیری این شوراها با انتخابات سازمان‌دهی شده از طرف مرکز هماهنگی شوراها هستند. عمده عمل‌کرد آنها در خصوص مسائل عمرانی و رفاهی و فرهنگی است و تا قبل از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" در مصادره زمین‌های بزرگ مالکان نیز فعال بوده‌اند. با آن‌که به دلیل وجود عناصر مترقی و مسئول در بعضی از این شوراها، آنها توانسته‌اند تا حد معینی در جهت منافع و خواست‌های مردم حرکت کنند، اما به دلیل پاره‌ای تنگ نظری‌ها در برخی از مسئولین، کارشکنی بعضی از مقامات اداری و نفوذ عناصر بی‌تفاوت و بعضاً ضدانقلاب بسیاری از این شوراها در خطر انفعال و حتی انحلال قرار گرفته‌اند که باید هرچه سریع‌تر در جهت رفع کمبودها و نواقص آن کوشید. در بیشتر موارد از زمین‌های مصادره‌ای که به‌صورت مکانیزه

کشت می‌شده به دلیل عدم توجه کافی مسئولین و نداشتن برنامه‌ای هماهنگ یک‌نوع تقسیم بندی درونی بر اساس تقسیم شرکت‌ها به سهام چند نفره انجام گرفته است. در این میان تعاونی روستائی دستگرد از توابع شهرکرد وضع بسیار خوبی دارد که البته بقاء آن به حمایت فعال دولت نیازمند است.

عمده‌ترین خواست‌ها و مطالبات رفاهی توده‌های دهقانی: خواست‌های روستائیان زحمتکش این منطقه را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: الف - خواست‌هایی که صرفاً در

چراگاه‌ها، ارائه خدمات دامپزشکی، بیمه محصولات کشاورزی در مقابل آفت‌ها و حوادث، تضمین خرید محصولات با قیمت‌های مناسب و... اشاره کرد. مساله زمین جدا از مناطقی که حل آن در گرو نابودی بزرگ مالکی است، در بسیاری از نقاط به دلیل این‌که انبوه زحمتکشان روستائی که تکه زمینی در اختیار دارند نمی‌توانند خرج متوسط‌زندگی خود را تا مین نموده و مشکل کمبود زمین هم وجود دارد، از این رو دهقانان در فکر افزایش بارآوری تولید هستند که به خاطر نداشتن قدرت مالی

علاوه بر حل مسئله زمین که همچنان مسئله عمده دهقانان زحمتکش چهارمحال و بختیاری است، آنها از دولت می‌خواهند تا به مشکلات مربوط به آب، استفاده از وسائل کشاورزی به قیمت‌های مناسب، بدست آوردن کود کافی و بذرمزغوب، گرفتن وام، توزیع عادلانه مراتع و چراگاه‌ها، ارائه خدمات دامپزشکی، بیمه محصولات کشاورزی در مقابل آفت‌ها و حوادث، تضمین خرید محصولات با قیمت‌های مناسب و... رسیدگی شود

کافی، نبودن آب و دیگر امکانات کشاورزی چاره‌کار از دست آنان خارج و به جمهوری اسلامی برمی‌گردد که تا چه حد در آینده همراه با ریشه‌کن ساختن بزرگ مالکی، در جهت احیای اراضی بایر و موات اقدام خواهد کرد. مشکل آب اگر چه مختص یک منطقه نیست و عمومیت دارد، تنها در مناطق به درجات متفاوت مطرح است. مثلاً کمبود آب بقیه در صفحه ۱۴

رابطه با تولید محصولات کشاورزی و دامداری و همچنین توزیع آنها مطرح است. ب - خواست‌های رفاهی و عمرانی و فرهنگی عمومی مردم روستاها. در مورد خواست‌های قسمت اول علاوه بر مساله زمین، می‌توان به آب، استفاده از وسائل کشاورزی، به قیمت‌های مناسب، بدست آوردن کود کافی و بذرمزغوب، گرفتن وام و توزیع عادلانه مراتع و

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

گزارشی از چهارمحال و بختیاری

به خواست‌های اساسی دهقانان...

بقیه از صفحه ۱۳

بقیه از صفحه

☆ رحمان کریمی ...

خودفروختگان به سزای اعمال خائنانه خود خواهند رسید . ما ضمن تسلیت شهادت کاک رحمان کریمی فرزند قهرمان حزب به هم میهنان ، خلق کرد و اعضاء و هواداران حزب و والدین و بستگان شهید بار دیگر پیمان می‌بندیم که راه رحمان ، راه شهدای آزادی راه دفاع از زحمتکشان و استثمارشدگان راه مبارزه برای تأمین آرمان‌های خلقمان ، راه مبارزه علیه هرگونه استثمار را ترک نخواهیم گفت .

اطمینان داریم حق بی‌سرواز خواهد شد و سنار و شرکای جانی و آدمکش او کيفر اعمال ننگین خود را دریافت خواهند کرد و لاشه متعفن آنان به زباله‌دانی تاریخ انداخته خواهد شد .

گمته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) بیست و هفتم مهرماه ۱۳۶۰

با تأمین سوخت مورد نیاز برای فصل کشت خواست میلیون‌ها دهقان زحمتکش را تحقق بخشید

مدرسه ابجاد فروشگاه تعاونی مصرف برای توزیع عادلانه مایحتاج عمومی ، تا همین سوخت کافی و ... می‌باشد که مسئولین جمهوری اسلامی باید هرچه سریع‌تر به این خواست‌های برحق و اساسی برسند .

نمایند . مسلماً همانگونه که انقلاب با عملکرد خائنانه کلاهی‌ها و کشمیری‌ها تضعیف نخواهد شد جنایت خائنانه سنار و جهانگیر نیز نمی‌تواند خلیلی در اراده یولادین ما که راه دفاع از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی است وارد سازد .

قطعا خلق کرد و حزب ما با شناسایی و تصفیه این قبیل عوامل وطن‌فروش و سرسپرده نیرومندتر خواهد شد .

جویبار خون رحمان کریمی کروی‌ها و دیگر شهدا به اقیانوس خون شهدای جاودان و زنده‌یادی می‌پیوندد که جان خود را فدای دفاع از انقلاب و تعمیق آن کرده‌اند . خون شهدای انقلاب و حزب ما و همه نیروهای مدافع انقلاب به هدر نخواهد رفت . بدون شک ، سنار و جهانگیر و همه خائنان و

به‌دنبال آن خاک‌های موجود در اثر باران شسته‌شده و نه تنها در سال بعد محصول به‌بار نمی‌آورد بلکه علف‌های موجود نیز نابود می‌شوند . در مورد تقسیم مراتع باید گفت در زمان رژیم سابق معمولاً برای دامداران غیربومی در مناطق مختلف استان چهارمحال و بختیاری پروانه صادر می‌شده است که بعد از انقلاب سایع شد این نوع پروانه‌ها لغو شده و نتیجتاً دامداران بومی از ورود آنها به مراتع جلوگیری به‌عمل آوردند ، چرا که مراتع موجود کفاف دام‌های خودشان را که زیاده‌تر هم شده بود نمی‌داد . به‌رحال این مشکل حاد صدماتی به دامداران غیربومی نیز وارد کرده و بسیاری از آنان مجبور به بازگشت به‌مناطق خود گردیدند ، تا این‌که از طرف اداره مراتع و جنگلداری برای حل‌تسه دادن به این وضع اکیب‌هایی به مناطق مختلف فرستاده شدند تا ضمن لغو پروانه‌های قدیم و صدور پروانه‌های جدید که در آن حق اولویت به دامداران بومی داده شد تا حدی به این برخوردارها موقتاً خاتمه داده شود . اما مشکل همچنان به‌قوت خود باقی است و برای حل‌آن باید چاره‌ای جدی اندیشید .

منحمله - مشارکت دامداران و کشاورزان در امر تولید علوفه و اداره چراگاه‌ها همراه با سازمان‌های دولتی - جلب اعتماد و همکاری مردم توسط ارگان‌های انقلابی در امر حفظ و اصلاح مراتع - اختصاص کادری و ورزیده و متخصص جهت اصلاح مراتع .

همچنین در مورد ارائه خدمات دامپزشکی نیز که خواست مبرم دامداران منطقه است باید اقدامات فوری انجام پذیرد ، در این زمینه می‌توان به خواست دامداران در مورد اتمام حمام نیمه‌کاره نزدیک شهرکرد که یک‌چهارم ساختمان آن باقی مانده است اشاره نمود . در این حمام می‌توان احشام را با داروهای مخصوصی که جلوی ابتلاء به بیماری‌هایی از قبیل کنه و غیره را می‌گیرد

یاریشان بشتابید ، مثلاً اخذ وام‌های گرفته شده عقب بیافتد و غیره . در همین رابطه حدود ۸۵ نفر از زارعین قریه دهکرد با فرستادن طوماری به ارگان‌های انقلابی و دفتر آیت‌الله منتظری خواستار رسیدگی به این وضع و کمک دولت شده و اظهار داشتند که محصولات ما در بعضی موارد حدود ۸۵٪ دچار افت شده و ما بادرکافی برای کشت سال آینده هم نداریم که این مسأله باید مورد توجه جدی مسئولین قرار گیرد .

در مورد وسایل کشاورزی گرفتن کمابین برای دروگندم در فصل تابستان و تراکتور برای شخم زمین‌ها با قیمت‌های مناسب از خواست‌های عمده کشاورزان است ، چرا که در سال گذشته به دلیل کمک جدی جهاد سازندگی و تأمین کمابین و همیاری مردم ، علیرغم تلاش ضدانقلاب و چند فقره آتشزدن خرمن‌ها ، امر برداشت به خوبی و با موفقیت انجام گرفت .

در مورد توزیع عادلانه مراتع و چراگاه‌ها به‌دلیل اهمیت دامداری در استان چهارمحال و بختیاری توجه خاصی لازم است . به‌طور کلی برای حفظ و گسترش مراتع باید دو جنبه فنی و اجتماعی را در نظر گرفت .

تلاش برای به‌کارگیری امکانات فنی جهت حفظ و بالا بردن کیفیت مراتع بدون در نظر گرفتن جنبه اجتماعی آن یعنی چگونگی استفاده دامداران از مراتع و چگونگی تقسیم آن بی‌حاصل است . مثلاً به‌خاطر حفظ گیاهان مراتع و به‌بار نشستن آن باید تا ۱۵ خرداد هر سال از تعلیف گوسفندان در این مراتع خودداری کرد ، ولی به‌علت دامداری ابتدائی و کمبود علوفه این امر رعایت نمی‌گردد و به مراتع زیان‌های قابل توجهی وارد می‌شود .

همچنین کشت دیم در مراتع که معمولاً دهقانان بدان مبادرت می‌ورزند کار درستی نیست زیرا معمولاً مراتع زمین‌هایی شیب دارند که هر چند دیم در سال اول محصول خوبی می‌دهد ، ولی

در شهرکرد و حومه آن با توجه به منابع محدود مورد استفاده (چشمه ، قنات ، چاه عمیق ، رودخانه و ...) ملموس است . با احداث چاه‌های عمیق نزدیک به هم و بدون برنامه معمولاً منابع آبی دیگر دهقانان کاهش یافته و مشکلی بر مشکلات می‌افزاید . مثلاً آب مزرعه شورهبومی شهرکرد بر اثر حفر چاه عمیق نزدیک به هم کاهش یافته است که در این نوع موارد باید با برنامه‌ریزی و محاسبه درست حرکت کرد .

به دست آوردن کود کافی و بذر مرغوب به قیمت مناسب و خرید محصولات با قیمت عادلانه از طرف دولت از خواست‌های دیگر دهقانان است . توزیع کود نسبت به گذشته بهتر شده است . کود اوره نسبتاً ارزان و حتی مازاد بر احتیاج است ، ولی کود فسفات کم است و به دست اکثر دهقانان نمی‌رسد . بذر مرغوب نیز هرچند امسال تا حدی در اختیار کشاورزان قرار گرفته است ولی به‌علت قیمت گران آن (در مورد بذر گندم و جو کیلویی ۲۵ ریال) بر آنان فشار وارد شده است از طرف دیگر کشاورزانی که گندم و جو به دولت فروخته‌اند به قیمت آن معترض بوده و معتقدند که فروش گندم کیلویی ۲۸ ریال مقرر به صرفه نیست ، مضافاً بر اینکه آنان مخارج افت و حمل و نقل ابتدائی را نیز خود پرداخته‌اند .

دهقانان می‌گویند عملاً ما گندم را کیلویی ۲۵ ریال فروختیم و بذر را کیلویی ۲۵ ریال خریدیم . بیمه شدن محصولات کشاورزی در مقابل سرمازدگی و آفات امسال به خواست عمومی کشاورزان شهرکرد و حومه تبدیل شده است ، چرا که به‌علت سرمازدگی و آفات کشاورزی در اطراف شهرکرد ، گندم و جو به‌مراتب کم‌تر از سال‌های قبل برداشت شده است . دهقانان می‌گویند : " آن‌چه دست ما را گرفته حتی خرج خود را هم بر نمی‌کند " و از این رو از دولت می‌خواهند به‌نحوی به

شستشوداد . ضمناً دهقانان زحمتکش چهارمحال و بختیاری نیز مانند زحمتکشان روستاهای اکثر نقاط کشور دارای خواست‌های عمرانی ، فرهنگی و رفاهی از قبیل ایجاد درمانگاه ، آب لوله‌کشی برق ، جاده

★ رفیق محمد علی قربانی

در درگیری با ضد انقلابیون در مهاباد

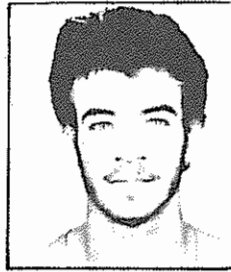
به شهادت رسید

در سال ۱۳۳۸ در روستای " مرداب سر " از توابع رودسر متولد شد و به جمع خانواده محروم و ستمدیده اش پیوست دوران کودکی و نوجوانی را در محیط ساده ولی پر از رنج روستا سپری نمود. به همت خانواده فداکارش به مدرسه راه یافت و در شهریور ماه ۵۷ در رشته ادبی دیپلم گرفت.

در سرنگونی رژیم شاه فعالانه شرکت نمود و ضمن شرکت در همه راهپیمایی ها و اعتراضات ماهیت تنگین و جنایتکارانه رژیم شاه و اربابان امپریالیست اش را برای مردم روستا افشاء می نمود. بعد از پیروزی انقلابیه هواداری از سازمان ما برخاسته و بر طبق رهنمود سازمان اقدام به تاسیس کتابخانه و توزیع " کار " در روستا نمود. و با مطالعه تجربیات انقلابی مردم جهان و بازگرددن آن به زحمتکشان راهپای حصول

به پیروزی و امتناع از شکست را نشان می داد در مهرماه سال ۵۸ به خدمت سربازی اعزام شد ولی پس از مدتی در اثر تضییقات زیادی که به او و سایر سربازان در اثر وجود بقایای روابط شاهنشاهی در ارتش روا داشته می شد و همچنین وضعیت خراب خانوادگی از پادگان فرار نمود و به کار پرداخت. با شروع تجاوز ددمنشانه رژیم صدام به خاک میهنمان خود را به پسادگان معرفی و متقاضی اعزام به یکی از جبهه ها شد رفیق در مقابل پرسش یکی از مسئولان که ضمن اشاره به ترک خدمتش از او می خواهد که توضیح دهد چرا در این شرایط خود را معرفی می کند اظهار می دارد:

" امروز مصالح وطنم و انقلاب پرشکوه میهنم آیداج نمی کند که من در خانه بنشینم یا به زندگی عادی خود بپردازم بلکه به من و



رفیق شهید تیمور جانی شهنی

همه انقلابیونی که پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم مغفور شاهنشاهی حاصل تلاش و جانپزایی های آنهاست حکم می کند که به مقابله با متجاوزین مزدور صدام و ضدانقلابیون داخلی بشتابیم به این دلیل من آمسدهام جبهه اعلام دارم سرانجام رفیق محمد علی قربانی در تاریخ یکم مرداد ۶۰ در جریان درگیری با ضدانقلابیون در تپه سسد مهاباد به کاروان عظیم شهدای خلق پیوست یاد پر افتخارش گرامی باد. ما به خانواده محروم و فداکار رفیق شهید محمد علی قربانی و رزمندگان دلیر جبهه ها درود می فرستیم.

★ رفیق تیمور جانی شهنی

در جبهه الله اکبر به شهادت رسید

رفیق تیمور در خانواده ای کارگر چشم به جهان گشود و در چنین محیطی عشق و کین را آموخت. یاد گرفت باید چه کسانی را دوست داشته باشد و با آنها همراه باشد و نفرتش را متوجه چه کسانی سازد و با آنها به تیغ برخیزد. نفرت از سرمایه داران و امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکا و عشق به کارگران و زحمتکشان خمیرمایه درک و شعور طبقاتی وی بود. هنگامی که در اواخر سال ۵۶ و ۵۷ توده ها به اعتراض به چپاولگری امپریالیسم و دست نشانده گانش برخاستند تیمور چنانکه باید می بود. به صفوف مقدم معتزین شتافت و به عنوان یک سمبائیزان بر شور فدائیان خلق برای سرنگونی رژیم شاه کوشید.

با شروع جنگ تحمیلی با الهام گرفتن از رهنمودهای سازمان به نهادهای قانونی مراجع نمود و آمادگی خود را برای شرکت در جنگ اعلام نمود که متأسفانه تقریباً همه جا با جواب رد مسئولین روبرو شد. ولی امتناع مسئولین از مسلح نمودن و اعزام وی به جبهه نمی توانست بر احساسات پرتستانه و انقلابی وی غلبه کند و بالاخره بطور داوطلب به خدمت سربازی رفت در مدت حضور در جبهه همیشه همدوش سایر رزمندگان قهرمانانه با متجاوزین جنگید و سرانجام زمانی که بنا به درخواست خودش به جبهه الله اکبر اعزام شده بود در جریان یک پیشروی دلاورانه به شهادت رسید. ما خاطره دلاوری های رفیق شهید تیمسور جانی شهنی را گرامی می داریم و به خانواده مبارز او و همه رزمندگان سلحشور جبهه ها درود می فرستیم.

در جبهه عشق، انتظار دیدیم
بمسئولان خدای امید دیدیم
بسیار ستاره که پر افتاد نجاگ
در بر نفسی هزار خوشید دیدیم

★ رفیق کارگر محمد رضا ضائیان

در سانحه اتومبیل بدرود زندگی گفت



افزون گردید و بعد از آزادی از زندان لحظه ای از مبارزه علیه رژیم مغفور و ضد خلقی پهلوی غافل نشد. در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ به سرعت خود را به تهران رساند و همدوش مردم قهرمان این شهر در حمله و تسخیر مراکز نظامی فعالانه شرکت جست. بعد از پیروزی انقلاب شورای شهر دزفول به جرم کونیت بودن او را از سازمان آجراج نمود و رفیق ناچار شد برای تأمین زندگی خانواده اش به کارهای مختلف تن در دهد. با حمله رژیم متجاوز عراق به میهن انقلابی مان رفیق به پیروزی از رهنمود سازمان

رفیق محمد رضا در سالهای دبیرستان با الهام از زندگی فلاکت یار خانواده خود و سایر زحمتکشان شهرش به مبارزه با رژیم دست نشانده شاه کشیده شد بطوری که چندین بار با بازداشت های کوتاه مدت روبرو گردید.

در حین کار در سازمان آب نیز به اتهام فعالیت های ضد رژیم دستگیر و به یک سال حبس محکوم گردید. بودن رفیق در زندان اهواز در فاصله سالهای ۵۲ - ۵۳ مصادف بود با حضور رفیق شهید چوپان زاده در همان زندان رفیق رضائیان در مدت یک سال هم بندی با رفیق چوپان زاده آگاهی سیاسی، تجربه و شورش

در جریان یک سانحه رانندگی در جاده خرم آباد دزفول در تاریخ بیست و نهم مرداد ۶۰ رفیق کارگر محمد رضا رضائیان به شدت مصدوم و سرانجام بدرود زندگی گفت.

رفیق محمد رضا رضائیان در سال ۱۳۳۱ در خانواده ای زحمتکش و محروم به دنیا آمد در طول سالهای تحصیل در دبستان و دبیرستان همواره به علت فقر مالی خانواده به کارگری پرداخت و بالاخره ناچار به ترک تحصیل شد و به شاگردی در مغازه قالی فروشی و کارگری در رشته های مختلف پرداخت تا سرانجام به استخدام سازمان آب و فاضلاب دزفول درآمد.

خود را به سپاه پاسداران معرفی نمود و آمادگی خود را برای اعزام به جبهه اعلام داشت که علیرغم تلاش صادقانه اش موفق به اقتاع مسئولین سپاه نشد. جواب منفی سپاه موجب انصرافش نگردید تا سرانجام موفق گردید با داشتن گواهینامه ماشین آلات سنگین از طرف فرمانداری دزفول به جبهه کرخه اعزام گردد در مدت حضور در جبهه با از خودگذشتگی و ایستاد غرور انگیزی به انجام مأموریت های حساس و خطرناک و وظایف مشکل پرداخت. پس از بازگشت از جبهه نیز در شرکت گسترش برای ایجاد راههای روستایی

☆☆☆

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

★ رحمان کریمی مبارز خستگی ناپذیر خلق گرد شهید شد

• شهادت رحمان کریمی به دست سنارمادی و جهانگیر اسماعیل زاده، خائنین به خلق کرد صورت گرفت

اکثر رفقای ما از زندان تبریز و سایر شهرستانهای آذربایجان آزاد شدند

بیش از ۳۰ تن از رفقای ما که اسامی آنها طی یک لیست ۴۰ نفری در شماره ۱۲۵ روزنامه کار اعلام شده بود به همراه حدود ۴۰ نفر دیگر که اسامی آنها مستقیماً در اختیار دادگاه انقلاب اسلامی تبریز قرار گرفته بود، طی دو هفته گذشته از زندان تبریز آزاد شدند. ضمناً گزارش رسیده حاکی است که تعدادی از رفقای ما در سایر شهرستانهای آذربایجان نیز آزاد شده‌اند. رفقای که اسامی آنها طی لیست چهل نفری در شماره ۱۲۵ کار اعلام شده بود و هم‌اکنون آزاد شده‌اند، عبارتند از:

- ۱- مغدید مهرانم ۱۷ - مجید یار
- ۲- علیرضا حدادی ۱۸ - کبری مقدم‌راد
- ۳- پروین ایران‌نژاد ۱۹ - فرهاد شکیبایی
- ۴- حسین علی‌پوران‌بنایی ۲۰ - کریم جهانی
- ۵- ارسلان مردانی ۲۱ - هوشنگ مهربان
- ۶- حمید کتابچی ۲۲ - سیف‌الله اکبری
- ۷- ایوب بابانژاد ۲۳ - محمدحسین رضایی
- ۸- سیف‌الله شفیعی ۲۴ - ناصر داوران
- ۹- مسعود داوران ۲۵ - رحیم اسماعیل‌زاده
- ۱۰- اسماعیل عظیم‌زاده ۲۶ - حسین رجب‌زاده
- ۱۱- عباس کمالی ۲۷ - حبیب جولانی
- ۱۲- مهرداد خاتمی ۲۸ - مهدی رسولی
- ۱۳- زیاده‌الله رضائی ۲۹ - حمید سیدخانی
- ۱۴- ناصر شاهگلکی ۳۰ - جابر مظفری
- ۱۵- حسن رحیم‌زاده ۳۱ - بانو عشرت
- ۱۶- سخاوت رنجبر

توطئه و تهدید نمودند. روز بیست و یکم مهرماه ۶۰ کاک رحمان کریمی به‌همراه دو تن از مسئولین سپاه و یک مسئول حزبی برای مذاکره در این مورد به منطقه رفتند که توسط سنار و جهانگیر دستگیر و زندانی می‌شوند و بلافاصله روز یکشنبه بیست و ششم مهر ۶۰ به دستور سنار، کاک رحمان به شهادت می‌رسد و جنازه‌اش در دره چهریق نزدیک سلماس پیدا می‌شود. این جنایت در واقع بهای بقیه در صفحه ۱۲

طی عملیاتی مناطق سلماس و صوما از لوت وجود ضدانقلابیون پاکسازی شد. سنار و جهانگیر که با به وضعیت بحرانی خود به این همکاری تن داده بودند، بلافاصله بعد از ایجاد شرایط مناسب و اطمینان از قول و قرارهایی که با فاسلمو گذاشته بودند، مجدداً به ضدانقلاب پیوستند. آنان اولین حرکت خود را ندادن سلاح‌های امانتی خود نشان دادند و شروع به

طبق اطلاعیه کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) کاک رحمان کریمی زمانی که برای مذاکره به منطقه تحت نفوذ سنارمادی رفته بود به دست وی به شهادت رسید. جریان واقعه از این قرار بود که بعد از اعلام همکاری سنارمادی و جهانگیر اسماعیل‌زاده با کنگره چهارم و نیروهای انقلاب (سپاه پاسداران و کمیته‌ها ...)

گزارشی از چهارم‌حال و بختیاری

به خواست‌های اساسی دهقانان زحمتکش چهارم‌حال و بختیاری رسیدگی کنید

دهقانان زحمتکش چهارم‌حال و بختیاری در شهریورماه سال‌جاری با ارسال طوماری به حضور رهبر انقلاب، خواستار اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی شده و اعلام کردند " شما هر قدمی در این جهت بردارید ما مستضعفان روستا راه‌همراه خود خواهیم داشت "

در صفحه ۱۳

تنظیم شناسنامه برای روستاهای کشور اقدامی اصولی و انقلابی است

در صفحه ۸

ما از کلیه اعضا و هواداران می‌خواهیم که در تحقق این امر مهم همکاری همه‌جانبه در تمام زمینه‌ها با نهادهای انقلابی و مسئولین اجرایی این طرح و پرستگران بپردازند.

ساده ۲۰ قانون کار جدید کشاورزی همانند ماده ۳۳ قانون کار، برگ برنده کارفرماست که به راحتی در هر لحظه به او اجازه می‌دهد که با پرداخت مبلغ ناچیزی کارگر را از کار اخراج کند.

قانون کار جدید کشاورزی باید بر اساس حقوق کار مندرج در

قانون اساسی تدوین شود

در صفحه ۵

صدها هزار کارگر کشاورزی میهن‌مان باید در پوشش قانون کار و تأمین اجتماعی جدید قرار گیرند

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر